



# رهائی

سال اول شماره ۲۲  
به شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۵۸  
شماره ۴۰ در سال

در این شماره :

• انتخابات مجلس شورای ملی

گامی در راه همکاری اصولی چپ

• حاکمیت طبقاتی

ایران یکسال پس از قیام

• جنبش چپ ایران

و جنبه‌هایی از بحران هویت

• افشاگری

و جنبه‌هایی از بحران سیاسی حاکم

• اسطوره‌های حقارت

مروری بر چهره‌های سرشناس «انقلاب»

♦♦♦

# انتخابات مجلس شورای ملی

## گامی در راه همکاری اصولی چپ

قوانین ارتجاعی حتی المقدور جلوگیری نماید و پاره‌ای از قوانین را که مطابق میل رژیم نیست با تکیه بر نیروی توده‌های زحمتکش خارج از مجلس بصوب برساند. در این مورد سنت‌های قابل توجهی در ایران وجود دارد که مهمترین آن مجبور کردن مجلس ارتجاعی تورایملی به تصویب قانون ملی کردن صنایع نفت در ایران است که توسط یک اقلیت کوچک با تکیه بر نیروی وسیع توده‌ای خارج از مجلس انجام گرفت و مسیر تحولات اجتماعی را بنحوی قابل توجیه تغییر داد.

طبیعی است که همواره نمیتوان از اقلیتهای کوچک انتظار چنین اقداماتی داشت چون عملی شدن برنامه‌های بزرگ پیش از هر چیز شرایط مادی مناسب را در اجتماع میطلبد و صرفاً " نتیجه تدبیر و خردمندی اقلیت نیست. با اینحال شرایط ایران بقدری غیر قابل پیش بینی قطعی، و تغییر یابنده است که این نوع امکان‌ناپذیری گردند و حتی در صورت فراهم نیامدن شرایط برای بهره‌برداری وسیع نیروهای مترقی، امکان بهره‌برداریهای محدود تر نباید نادیده گرفته شود. نقش یک اپوزیسیون مترقی بعنوان مانع و جلوگیری تصویب قوانین ارتجاعی و بعنوان اپوزیسیون قوه ارتجاعی اجرائی میتواند بسیار برجسته گردد و این درست نقطه مقابل نقش نیروهای متصوراً " مترقی در داخل قوای اجرائیه است. در مجلس اپوزیسیون مغلک در دولت سرمایه‌داری و مانع تصویب قوانین ارتجاعی است، در حالیکه در کابینه اجرا کننده قوانین ارتجاعی است، خسرواری است.

تنها ایرادی که شرکت در مجلس میتواند داشته باشد ایجاد توهم در ذهن بختی از توده‌ها در مورد دموکراتیک بودن انتخابات است، اما این ایراد بر عتاز میان خواهد رفت زیرا بطور قطعی و مسلم دولت جمهوری اسلامی مشت سرکوبگرانه خود را بر سر نمایندگان مترقی مجلس خواهد کوبید و ما هیئت غیر دموکراتیک خود را بر ملا خواهد ساخت. هیئت حاکمه ایران انحصار طلب تر، مرتجع تر و و اما مانده تر از آنست که بتواند مزاحمین چپ را در کردارهای مجلس تحمل نماید. بدین ترتیب بنظر ما مزایای شرکت در انتخابات مجلس نوراً بر معایب آن رجحان دارد، معضله‌ها همین شرکت نیز باید نابع قانونمندی کلی حرکت چپ باشد. بدین معنی که چپ باید بیشترین کوشش خود را در انتخاب نمایندگان چپ مبذول دارد و بگونه‌ای صفوف خود را مستحکم سازد و انتخابات را تبدیل به محلی کند برای اتحاد و همکاری بیشتر. بجرات میتوان گفت که حتی اگر نماینده‌ای از چپ انتخاب نشود ولی کسار از انتخاباتی موجب تقویت صفوف آن گردد چپ از این کار راز پیرو بیرون درآمده است.

با نزدیک شدن موعد برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی، مسئله شرکت با عدم شرکت در انتخابات در مقابل نیروهای مترقی فرار میگیرد و جریانات مختلف سیاسی بنا بر این پیش و موثعبیت اجتماعیتان در این مورد موضعگیری میکنند. ما نیز در این مورد نظر خود را ابراز می‌داریم.

بر خلاف مسئله شرکت در ارگانهای اجرائی دولت بورژوازی که همواره از طرف کمونیست‌های اصیل مطرود شناخته شده است، مسئله شرکت در نهادهای معنیه مسئله با رومنخصی است که بر حسب تحلیل از موقعیت مشخص پذیرفته بانفی میگردد. در ایران پس از انقلاب این اولین باری است که مسئله باین صورت مطرح میگردد، زیرا در انتخابات دیگر یکسال گذشته مسئله یا بصورت برائی گذاشتن و نظر خواهی در مورد دبدبیدیل غیر قابل قبول مطرح بوده (مانند انتخاب بین نظام شاهنشاهی و یا جمهوری اسلامی) و با انتخاب نماینده برای مجلس خبرگان تقلبی ( بحای مجلس مؤسسان) و تصویب ضرب الاجلی قانون اساسی ارتجاعی از پیش تدوین شده و با انتخاب یک نفر ارمیان چند نفر از وابستگان رژیم برای ریاست قوه اجرائیه. اینها همه از نظر ما مطرود بوده اند و دلائل آن را در جای خود مفصلاً توضیح داده‌ایم. اکنون اولین بار است که مسئله انتخاب مجلسی برای مدت چهار سال - که طبعاً امکان افشاکری را بسیار زیادتر میکند - مطرح است و نیز انتخاب نماینده‌ها از میان وابستگان رژیم بلکه از طیف وسیع تری میتواند انجام شود. در چنین شرایطی باید دید مزایا و معایب شرکت در انتخابات چیست. مقدماتاً فرض میکنیم که انتخابات در محدوده‌ای که " دموکراسی " جمهوری اسلامی اجازه دهد آزاد خواهد بود و این بدان معناست که تمام قوانین محدود کننده شرکت عناصر مترقی و چپ ملغی شود و کلک‌های انحصارگران در محدود کردن دایره نمایندگان به عمال خود افشاء و فسخ گردد. در حال حاضر چنین به نظر میرسد که میتوان با افشاکری وسیع اگر نه همه لاقط پاره‌ای از این تدابیر بر کارانه رژیم رخنه کرد. از این جمله اند دو مرحله‌ای کردن انتخابات، ضرورت اظهار وفاداری به قانون اساسی ارتجاعی.... و نظائر آن.

تردیدی نیست که رژیم این کار را با رضای خاطر انجام نخواهد داد. و به هزارتوطئه متوسل خواهد شد اما دشوار نخواهد بود که نیروهای مترقی با انگشت گذاردن و افشاء ماهیت این توطئه‌ها هم موجب بالابردن سطح آگاهی مردم و شناخت بیشترشان از رژیم شوند و هم در صورت لغو این محدودیت‌ها از شرایط مساعد شده بهره‌برده و دامنه افشاءگری رابه خود مجلس نیز بکشانند. وجود یک اقلیت منمهد و مبارز در مجلس میتواند بسیاری از توطئه‌های رژیم را قفل از عملی شدن آنها افشاء کند، از تدویسی

# حاکمیت طبقاتی ایران یکسال پس از قیام

رای تحلیل عملکرد رژیم در یکساله‌ی اخیر باید مدتی به عقب‌نظر برگردیم و غل و موجباتی را که موجب تشکیل حکومت بازرگان و کابینه‌ی او شد یادآوری کنیم و از این طریق محدودیت‌ها و محظوراتی که حاکم بر عملکرد رژیم بوده است را بررسی کنیم.

مادر اینجاست رژیم سخن می‌گویم و از حکومت و کابینه، و این بدان جهت است که معتقدیم دولت کنونی ایران با دولت دو سال و ده سال پیش در این هیچ تغییری نکرده است و نمیتواند بکند. دولت سرمایه‌داری در چهره‌ی بنای گوناگون تا برقراری نظام سوسیالیستی جلوه خواهد کرد و بنا بر این این چهره‌ها را باید شناخت و نه اینکه هر بار با تغییری در اینجا و آنجا، ماهیت دولت را در گریخته شده تلقی کرد. چهره‌های دولت، انواع رژیم‌ها و حالت‌های مختلف این چهره اسام حکومت‌ها، و عناصر این چهره‌ها، کابینه‌ها را می‌بازند. در جریان انقلاب سیاسی اخیر ماهیت دولت تغییری نکرد، بلکه چهره دولت - رژیم عوض شد. رژیم شاه به رژیم اسلامی تغییر یافت. حکومت بازرگان و حکومت نوری انقلاب و حکومت بنی صدر حالت‌های مختلف این چهره بوده‌اند که خود هم زائیده نیاز مرحله‌ای رژیم بودند و هم در اجساد مناسبی خاص ذی‌سیم، باید دید نیازهای مرحله‌ای رژیم چه بوده‌اند که چنین حالاتی را می‌طلبیدند و اینان بنوبه خود در تداوم و یا تغییر نیازها چه نقشی بازی کرده‌اند.

هنگامی که آیت‌الله خمینی به پاریس رفت و آهسته آهسته موقعیت خطیر شاه و امکان رفتن او را درک کرد و نطق معروف "شاه باید برود" را نمود هنوز نه به نظر او و نه به نظر اطرافیان

او مسئله الفاء سلطنت مطرح نبود. اما "شاه باید برود" (که توام با این عبارت بود که "برود و شغلی دیگری بکند" - عبارتی که امروز آقای خمینی و هواداران او ملحتاً فراموش کرده‌اند) طبیعتاً سؤال "چه کسی باید بیاید" را در بطن خود مستتر داشت. و در اینجا بود که اختلاف میان نیروهای مختلفی که در طلب قدرت از شاه متفق بودند ولی در مسئله واگذاری قدرت نظرات مختلف داشتند، خود می‌نمود. و به همین جهت بود که مسئله "چه کسی باید بیاید" تا زمانی که رهبری روحانیت مسلح شد (و با اضافه شدن خواست "حکومت اسلامی" در نظرات بیانگش) مسکوت گذارده میشد. اما این مسکوت مانع از آن نبود که هر نیرویی بفرکار خویش نیاشود سعی نکند "چه کسی باید بیاید" را در محدوده امکانات مطابقتی خواسته‌های خود جواب دهد و تدارک بیند. در گذشته اشاره کرده‌ایم که چگونه تناقضات داخلی سرمایه‌داری جهانی، اشیاء در ارزیابی عمیق جنبش توده‌ای ایران، و اشتباهات متعدد دیگر آنان در مقابل موج روزافزون مبارزات مردم و رادیکالیزه شدن سریع جنبش، بسیاری از فرصت‌ها را از دست طبقه حاکم گرفت بطوریکه بدیل‌هایی مانند بنام مینی - ابتهاج و سایر نمایندگان طرز اول سرمایه‌داری بخش خصوصی که زمانی چشم‌انداز مناسبی را ارائه میدادند تجربه نشده سوختند و رژیم از فرط درماندگی در جستجوی نمایندگان دست دوم به پاره‌ای از رهبران جبهه ملی روی آورد. در این مورد هر یک از سران جبهه، سنجابی، بازرگان، صدیقی و بختیارو همه به تصور رژیم مستوانست‌گرا سازباز شد. رژیم به همه آنها روی آورد. صدیقی در رقابت‌های داخلی جبهه مغلوب

شد (و اعلام شد که اساساً عضو جبهه نیست!)، سنجابی که چند ماه پیش در نامه به شاه تقاضای "همکاری صمیمانه" کرده بود در سفر به پاریس برای کسب اجازه از خمینی موفق نشد. بختیار بر سر کار آمد که سر نوشت او راهمه میدانیم. اما آنچه که شاید ندانیم اینست که بختیار در ایتدای کوشش خود در تفاهم کامل با همقطاران خود بسر میبرد و اگر اختلافی میان آنها بود بر سرناکتیک کار بود و نه در محتوای کوشش. و باز شاید این را عده‌ای ندانند که آقای بختیار از طریق آقای حسن نزیه (همین آقای نزیه فعلاً فراری) در ارتباط مداوم با آقای خمینی فرار داشت و در مشورت دائمی با آقای بازرگان و داریوش فروهر و نمایندگان داخل کشور آقسای خمینی (آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی) بود. اگر شدت جنبش مردم محدی رسید که ظرف مدت کوتاهی "بختیار سوگر سی اختیار" تلقی شد - و چه درست بود این توصیف - اما آگاهی جنبش به آن حد نبود که رابطن و مشاورین پشت پرده او نیز افشاگردند. و در شگرد کار هم همین بس که پس از طرد بختیار، مشاور و دوست و همکار با سابقه او - آقای بازرگان - علیرغم آنکه حاضر نشده بود در طرد شاه و در نفی سلطنت کلمه‌ای بزبان آورد، از طرف امام امت به نخست‌وزیری منصوب شد و میلیونها مردم بی خبر از وفایع پشت پرده گوئی یک انقلابی را در مقابل یک ارتجاعی تقویت میکنند به راهپیمائی عظیم یختیبانی از او کشانده شدند. بدین طریق میببینیم که حرکت از بختیار به بازرگان نه یک جهش، نه یک انتخاب، بلکه حرکت از مهره‌ای به مهره دیگری همان مشخصات اساسی - پایگاه و خواست طبقاتی - بود. مشخصات غیر

طبقاتی مانند ته‌ریش داشتن آقای بازرگان و سابقه جشرونشرایان بسا مذهبیون، فقط برای کسانی که نه موضع واقعی او و نه بختیار را می‌شناختند و صرفاً دینداری این یک وبی دینی آن یک را عمده می‌پنداشتند منواسست فریبنده باشد. و مسافان اما، در آن مقطع از تاریخ چنین کسانی انبوه بودند و می‌پنداشتند که انتخاب کرده اند دوران سازگاری اما اگر بی‌اطلاغان چنین می‌پنداشتند تقصیر آقای بازرگان چه بود؟ ایشان در اولین اقدامات خود نشان دادند که ادامه‌دهنده طبیعی راه بحنارند. آقای بخنبار را سه سلامتی از مرز خود گذردادند، آقای مره‌ساغی رئیس ستاد بخنبار را مناور نظامی خود کردند. آقای فردوست مقام اول امنیتی رامشاور امنیتی خود نمودند. آقایان بزدی و قطب‌زاده و امیران نظام و هه (آباس تاصح دولتت بدمد) را وزرا خود کردند، به بازسازی ساواک و ارتش پرداختند، و به کمک به ماده‌های کنیف رژیم آریامهری، جبار دشمن اصلی فلما داد کرده و همه جا - حتی در نطق خود در حسینیه ارنا دپس از سقوط کابینه‌اش. عامل اصلی رکود کار و هرج و مرج و پیش‌نورمن امور جا معدرا "جپی‌ها" معرفی کرده. در کارنامه ننکین بازرگان آنقدر فصاحت و رسوائی وبی لیاقتی نهفته است که بررسی اجزاء آن کار نوشته جداگانه - ایست. در اینجا همینقدر بگوئیم که ما انتظاری جز این از چنین حکومتی نداشتیم ولی معتقدیم که با در نظر گرفتن وجود بقایای از روحیه انقلابی در توده‌ها، کار هر حکومت سرمایه‌داری پس از انقلاب نمیتوانست در اساس نفاوتی با حکومت بازرگان دانسته باشد. خصوصیات ویژه ایشان - عقب‌امادگی و ریزه‌خواری - تنها در پاره‌ای از جریانات کار خود را نشان میداد و نه در اساس.

#### نتیجه و نقش حکومت بازرگان

درست‌طور موق گفتیم که بازرگان و بختیار از نظر طبقاتی معرف یک خاستگاه بودند. رادیکالیسم جنبش انقلابی خطر بزرگی برای سرمایه‌داری جهانی و سرقت، داری ایران بمثابة بحنی از آن بود و این "خطر" بود که بایستی بی اثر میشد. در جلوگیری از این خطر همه مدعیان

مختلف قدرت شریک بودند و بهمین دلیل بود که آمریکا خیلی زود توانست بسا نمایندگان طراز اول سرمایه‌داران بخش خصوصی که عمال مستقیم بودند و رهبری جنبش که بهمان اندازه از حب‌هراس داشت، بر سر آوردن نماینده دس‌دوم - آقای بازرگان - توانی کند. مطالبی که اخیراً "اصلاح فاش شده اس‌رازهای عیانی است در تاشد و مسلم ساختن تما‌سها و اقدامات امپریالیسم برای مقابله با جنبش مردم، برای کمونیست‌ها این مسائل هیچگاه پنهان نبوده است چگون کمونیست‌ها با شناختن ماهیت طبقاتی نیروها حرکت میکنند و تقارن خواستهای بخشهای مختلف بورژوازی را میداند و آگاهند که یکانکی خواست‌ها هر گونه سد و مانع سلکی و مرامی را از میان بر میدارد سرمایه‌دار در هر لیبای سرمایه‌دار است و ته ریش و تسبیح آخوندی بسا طیب مسیحا‌ی وجوه مشترک بسیار دارد. اینها علیرغم "محمدی" بودن این یک و "نمارا" بودن آن یک خیلی خوب و زود حاضرند مخفی از چشم و گوش مردم با هم بسازند و توطئه کنند و کسی را تحویل دهند بنام بازرگان که از یکسو دست‌امام را میبوسد و از سوی دیگر دست‌سفید امریکایی را میفشارد. آری برای کمونیست‌ها نقش این محلل‌ها احتیاج به رو کردن ندارد. این اسناد در تاریخ هزاران بار رو شده‌اند منتها باید چشم داشت و دید. آبا هنگامیکه امیران نظام و باررگان و سرکاء مخفیانه با عمال و جاسوسان امریکا طرح و نقشه مبرخندند چه چیزی بجز جلوگیری از "خطر" جپ محتوای صحبت آنها را میساح، چه چیزی جز حفظ ارتش و جلوگیری از رادیکالیزه‌شدن بیشتر جنبش مطمح نظر آنها بود. میان نمایندگان سرمایه و ارباب امپریالیسم چه چیزی بجز توطئه علیه طبق می‌تواند مطرح باشد؟ و چه عاملی باعث میشود که آیت‌الله خمینی همکاری با کمونیست‌ها را حتی برای برنگون کردن رژیم شاه مجاز بشمارد. مذاکره با امپریالیست‌ها آری، برنامه ریزی با آنها آری، ولی همکاری بسا

کمونیست‌ها نه. بدرستی بیداست که اینها دشمن اصلی خود را چه کسانی میدانند.

بنابر این طبیعی است که رژیم خمینی - بازرگان که معرف انقلاب خرد بورژوازی و بورژوازی - نمایندگانی کوچک و سرک سرمایه - اسناد همان آغاز کار، مبارزه با نیروهای جپ، ادامه دهندگان جنبش انقلابی را در دستور کار قرار دهد. اینسان را خرابکار و هرج و مرج طلب تلقی کند چون در تجدید ساختمان سرمایه‌داری خرابکاری میکنند و بسا ادامه‌ی جنبش و حرکت، از سکون و سکوت جنبش جلوگیری مینمایند. حرکت انقلابی هرج و مرج نام می‌کشد. همان مفعلی که بکماه پیش از آن از طرف شاه به انقلاب منتسب میشد. و جای شگفتی نیست. سرمایه‌داری همواره چنین کرده است. هرج و مرج خواندن جنبش انقلابی بیان آشفتگی سرمایه است، و نمایندگان سرمایه چه رژیم شاه باشد و چه رژیم خمینی - بازرگان در این بیان اختلافی ندارند.

بهر حال کارنامه‌ی رژیم در ماههای اول، کوشش جهت خوابانیدن روحیه انقلابی و القاء این شبهه ب مردم بود که انقلاب پیروز شده است بنابر این باید اسلحه‌ها را بزمین بگذارید و به خانه‌های خود باز گردید، "ما" سکان کشتی را بدست گرفته و بجای شما کارها را انجام میدهیم. کوشش رژیم در خلع سلاح مردم درست‌در روزهای پس از انقلاب، در دورانی که روزانه ده‌ها پاسدار و انقلابی توسط عمال ساواک کشته میشدند نیت‌پلید و ترس و اهمه‌ی حکمرانان را از مردم مسلح نشان میداد. اسلحه در دست مردم، مامسب ادامه‌ی انقلاب بود و این چیزی بود خلاف برنامه و توطئه‌ی آنها. خلع سلاح مردم، به خلع سلاح بازماندگان رژیم و ساواکیها (که بهر حال طبیعتاً بفرمان دولت اسلحه‌ی خود را پس نمیدانند) بلکه خلع سلاح توده‌های بود که در جریان اشغال یادگانهای ارتش کنترل جریان‌ات را از دست

رهبران خارج کرده و برنامه‌های  
صبرآنان و امیرالمؤمنین را به هم  
رده بودند. سایر اسلحه‌ها را  
دست مردم باید خارج می‌شد. این  
تصمیم اول ادامه‌ی کار رژیم بود.  
کام بعدی خواباندن آسپس در  
نقاطی بود که در آن نقاط بدلانشل  
حاج ایقلاط نامه پانصد بود. کنسار  
در ترکمن صحرا، قبل عام در حوزستان  
و حمله به کردستان، نمودار کوسس  
رژیم در آن پس بردن کاسه‌های  
ایقلاطی و بدستگیر کردن سردار  
ار براندان شعله‌ها به سایر نقاط  
ایران بود. شعله‌ی این باید ساود  
بود، و در این راه رژیم بمبارانی  
سفاکی سان داد که آسرا با حوری حر  
اسلوب سرکوب آسرا صبری می‌توان  
مفاسد کرد. نوحوانان برکمی،  
کودکان کرد و سیر ران عرب‌ها  
این جنایت که با سار همپوری  
اسی در تفاوت مساوند کرد جاویکا  
آسرا صبری را سائر آورد. و این سیر  
درسی بود که تبلیغ رود گرفته شد.  
کام دیگر که همزمان و در ادامه  
این کام برداشته شد حمله به سرور  
مرفی و مبارز در سایر نقاط ایران  
و تعطیل کردن سربازی بود که  
می‌توانستند با درج اخبار و تکس  
شد ساسور صدا و سماعی همپوری  
اسلامی توطئه‌ی رژیم را بر ملا کند.  
اما این کام را رژیم بدست‌های سیر  
دانش‌پلکه بعضی از سازمان‌های  
مترقی هم بغل انحرافات عمیق خود  
بکمک وی ساعند. همانکد رژیم با  
ریاکاری راند الوعفی روزنامه‌ها را  
می‌بست و آندکان نه‌ها سربازی  
روزانه‌ای که همکام با رژیم حرکت  
بمکرد را بدست‌های سابعی طاعوی  
آن تعطیل نکرد (ولی طبعاً اطلاعات  
و کنه‌ها اما طاعوی از این اتهام  
میرا سودند چون طبع حواس رژیم  
حرکت نکردند) عده‌ای ساده‌نوح و سا  
سارکار در حامی مترقی سیر سازه  
ساد این افتادند که ای امثال  
اسدکان حس و جان بوده است.  
اینها سیرکمک رژیم آمدند و سیر  
لحظه‌ها این فکر بیفادند که سیر  
فقد و سیررژیم از اسکار حسبت.

آنها این را میدیدند که آسرا  
سیران اسولای اسرا نمی‌دیدند که  
حمله به سیرالها از جانب فاسبتها  
صورت می‌کرد. و با میدیدند و بخاطر  
سازگاری، بخاطر انحراف، بخاطر  
اسالمنسب بودن و بخاطر کوند بینی  
با رژیم همدا می‌شدند. سیر حال این  
کام رژیم هم با "موقعیت" برداشته دو  
صفحه‌ی درختانی بر کارنامه‌ی رژیم  
و بقطعی تاریک دیگری بر بیابانی  
بازهای از سازمانهای ایوزسسون  
افاده کرد.  
اکنون رژیم می‌تواند با فراغ بال  
به تجدید باحتمان سرمایه‌داری بپردازد.  
رد. سرکته‌های ورنکسه "ملی" اعلام  
شدند و بار تحمل جرح راند سیر  
اسفاده از دوش سرمایه‌داران سیر  
دانش و بر کرده‌ی ملن گذاشته شد.  
نوطه‌ی کتیف و ساخته شده‌ای کسه  
بازها و بازها مورد اسفاده‌ی  
سرمایه‌داری جهانی قرار گرفته است  
اینبار بعنوان "فج حیر" کسه  
چورد مردم‌داده شد و باز حسبت  
عجب که سعادی از سرورهای حب سیر  
با دراست افسانه‌ای در ابتدا کسه  
به کوی اقدام رژیم شد و ساره  
سیرار مدنی فهمیدند (چه عجب)  
که چه کلاه کسادی سیر آنها و ملن  
رفتند است.  
این اقدام رژیم همراه بود با  
رزمه‌ی فرا حواس سرمایه‌داران  
به بازگشت مجدد به ایران. اما  
آقایان بحسب وربر، وربر صابع و  
معادن، وربر تاریکایی و سایر  
سادوهای سرمایه‌داری که مدافع این  
رژیم بودند، ندی عحولاه رفشار  
کردند. اسباده آنها در اینست که  
حال کردند اوضاع بقدر کافی آرام  
شده است و سیرالها  
سازگاری با سیرالها طبع سیرالها اول  
سرمایه‌داری بلامانع است. اما  
آنها این نکته را دیدند که مردم  
هر قدر هم ساده اندس نباشند، هر  
قدر هم نتوانند وجودهای با ملموس،  
هسته‌های انتراعی را درک کنند ولی  
ملموسات را حس خواهد کرد. بحسی  
از مردم ممکن است در تشخیص حواس  
سرمایه در ملی کردن سرکته‌ها دچار

اشتباه شوند. شخص این امر  
حادث سواد سیاسی و آسناشی کسه  
بازهای از مسائل اقتصادی را لازم  
دارد و سایر این کسانیکه فاسد  
اسها هستند می‌توانند کول "ملی"  
سدن رابحورند. بازهای از مردم  
ممکن است تفاوت قبایه‌ی ریسوی آسرای  
سازرکان و صورت چهار تبعه‌ی آسرای  
بجسار را بعنوان یک تفاوت ماهوی  
صور کنند و کدا. اما همین یخس  
از مردم همان جهره‌ی ساینک بحسار  
را دوباره بدیزا نخواهد بود.  
بختار جرو ملموسات آنها در آمده  
و باو اعتماد ندارند. فلان و بهمه  
سرمایه‌دار در رفته می‌تواند. سیر  
سرمایه‌دار را از طریق دیگر بکار  
اندازد ولی خودش، شخص خودس،  
مطلوب و مقبول نیست.  
در اسحا بود که نطفه‌های آسرای  
بازرکان در ضرورت رجعت سرمایه‌داران  
با استقبال روبرو شد و حتی  
سازمانهای بسیار با هونی هم که از  
ملی شدن صابع استقبال کرده بودند  
نتوانستند با این اقدام ایسان  
موافق باشند. مخالفتها شروع شد.  
خرده‌بورژوازی سراسمه شد. بدنیال  
آن بالاخره سازمان جریکهای فدائی  
طبع هم بخود آمد و فهمد که "دفاع  
از دولت‌بازرکان" کار خوبه‌ی  
بوده (؟) و با اسنان کج اسفاد و  
سافی فضا.  
سیر حال عدم شخص تقاب  
سرمایه انتراعی با سرمایه‌دار  
شخص، و اسکی متفاوت است  
در ادهان بوده پای حکومت‌بازرکان  
را گرفت. ولی دیگر دیر شده بود.  
دم خروسی نمایان گشته بود و این  
محالی میداد بدسرفیب خرده‌بورژوا  
که سوبه چاپ کنند.  
نوصح آنکه خرده‌بورژوازی - و در  
اسحا بهر اسس سونیم رهبری  
روحانیت - با علم ساینکه بازرکان  
و همکاران او نمایندگان سرمایه‌دار  
دارند، و نه تنها با علم ساین  
بلکه بهمن خاطر، در اسلاف سیرا  
آنها بود. رهبری روحانیت هم از  
ماست طیفانی اسان خبر داشت و هم  
از روابط آنها با امپریکس

مطلع بود. ایسن ماهیت و این رابطه نه تنها مخالف نظر روحانیت نبود بلکه دقیقا در جهت منافع آن قرار داشت. اینها بزرگترین پشتوانه‌ی او برای سرراه انداختن چرخ اقتصاد کشور و بهترین مخالفین چپ بودند و اینها همه مانده‌های آسمانی بودند. اینها مقبول بود تا زمانیکه روحانیت تصور میکرد به حریف احتیاج مبرم دارد، و تا زمانی که حریف پا از محدوده‌ی خود بیرون نگذارده و سهم عمده را در قدرت سیاسی نمیخواست. اما زمانیکه روحانیت تصور کرد بقدر کافی بر اوضاع مسلط است و هنگامیکه مشاهده نمود رقیب پرور شده، لازم آمد که با تمام قوا عرض اندام کند. در اینجا بازیچه‌های دست جدیدی بنام دانشجویان خط امام با بد صحنه

از پشتکوه تا ایر قو مثل قمارح میروید. حزب توده و سازمان چریکهای فدائی خلق به کف‌سازی اشتباهات گذشته در حمایت از دانشجویان خط امام مایل می‌گذارند می‌ترسند که مردم یادشان بیاید اینها از لیبرالها حمایت می‌کرده‌اند در دشنام به لیبرالها مایل می‌گذارند. و حال و طنز آمیز اینکه همدی دیگران را که از اول ماهیت بازرگان را رو کرده بودند لیبرال میخوانند! (و میدانیم که ایسن تاکتیک توده‌ایستی با سابقه‌ایست: نعل وارونه.)

هستری گذرا، احساسات واقعی مد امپریالیستی مردم را به بازی میگیرد، و انقلاب دوم (!) بزرگتر از انقلاب اول آغاز میشود. ولی صرفا در حد خیابانهای جلوسو حاشیاه محدود میماند. در جاهای

امری که توضیح آن دشوار نیست به شرط آنکه پیش‌داشته باشیم. که البته شرط کوچکی نیست. مسئله‌ی اساسی و تعیین کننده‌ی خط سیر یک جامعه مناسبات تولیدی آن است. مناسبات تولیدی خود را از فراسوی خواست هر جنبنده‌ای، هر نیرو و هر طبقه‌ای اعمال می‌کند. خواست این یا آن نیرو، وجود این یا آن نهم، توطئه‌ی این یا آن رهبر و حلاصه هر عامل و بدیده‌ی دیگری که از این واقعیت سخت‌زمینی - مناسبات تولیدی - الهام بگیرد و بر آن استوار نباشد، مانند حباب مابون خواهد ترکید. مناسبات تولیدی تعیین کننده‌ی نهائی است. ایسن درسی است که تا فرا گرفته نشود، همه نااموختگان را به کیج سری و کور مالی کشاند. و مناسبات این درسی است که کم فرا گرفته شد

جامعه ایران یک جامعه سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری ایران حکومت میکند سرمایه‌داری قوانتین خاص خود را دارد. سرمایه‌ی ناسرمایه، سرمایه‌ی خدانشناس، سرمایه‌ی اسلامی، سرمایه‌ی آخوندی، سرمایه‌ی بازرگان ریشو و سرمایه‌ی بختیار طاغونی، سرمایه‌ی القانیون صهیونیست، سرمایه‌ی حاجی بازاری قطعا غیر صهیونیست همه سرمایه‌اند. اینها میل به انباشت و تراکم دارند. اینها مناسبات تولیدی سرمایه‌داری را می‌طلبند.

میکارند و "کند" (!) میکند کسه بازرگان و شرکاه با امریکا مرارده داشته‌اند !! کشف جدید و واقعا محیرالعقولی است. حره‌سوروازی ناکهان خمناک میشود و سازمانهایش کاسه‌ی صبرشان لیریز می‌گردد. عجیب؟ نمایی با امریکا ! این خیلی بد است. "ما" که نمیدانسیم و گرنه هیچوقت "دفاع از حکومت بازرگان" نمی‌کردیم. و بازی تکرار، و صحنه پشت صحنه پدیدار میشود. "دانشجوی خط امام امضا کن، امضا کن" چه کسی را؟ بنظر آنها لیبرالها را، بنظر ما لیبرالها را یا مافه‌ی روحانیت را و یا مافه‌ی سازمانهای خرده بورژوازی چپ را و یا مافه‌ی فرصت طلبان را .... "خط امام" یکشنبه میلبوها طرفدار پیدا میکند. سازمانهای خط امام

دکتر ابار آسکان سخنور. فرار دادهای محرمانه با امریکا به قوت خود باقی میماند. ایسن اساسی جاسوسان و مرتبطان با امریکا افشا نمیشود (بجز تک و توکی آهم بنا بر ضرورت نوظنه‌های انتخاباتی) اسناد "کنف" نده در محدوده‌ی اختیار و اطلاع یک یاند خاص محسور میماند. انقلاب دوم (!) بزرگتر از انقلاب اول بود. در یک چیز. در توطئه‌گری. در عدم اصالت. در فریب‌نوده‌ها. و اینبار بازرگانهای جدیدی داشت. مبارک بود.

اما هیچگاه واقعیات سخت‌زمینی را نمیتوان نادیده گرفت. میشود با یک شگرد، رقیب را موقتا به کنار صحنه راند ولی حمایت است اگر پشتوانه‌ی رقیب نادیده گرفته شود و الزامات محضات فراموش شود.

اس. جامعه‌ی ایران یک جامعه‌ی سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری ایران حکومت میکند. سرمایه‌ی قوانتین خاص خود را دارد. سرمایه‌ی ناسرمایه، سرمایه‌ی خدانشناس، سرمایه‌ی اسلامی، سرمایه‌ی آخوندی و غیر آخوندی، سرمایه‌ی بازرگان ریشو و سرمایه‌ی بختیار طاغونی، سرمایه‌ی القانیان صهیونیست و سرمایه‌ی حاجی بازاری قطعا غیر صهیونیست، همه سرمایه‌اند. اینها میل به انباشت و تراکم دارند. اینها مناسبات تولیدی سرمایه‌داری را می‌طلبند. و مناسبات تولیدی سرمایه‌داری منکی بر انباشت ارزش اضافی یعنی استثمار است. سرمایه‌ی کوچک، سرمایه‌ی متوسط، سرمایه‌ی بزرگ، اینها همه را فراموش کنیم که مفولات جداگانه‌ای



ماجنس انقلاب

هستند. این دروغ است. فریب  
 است. این امور را کارا است  
 سرمایه‌داری است. این امور  
 سرمایه‌داران نجات‌دهنده رویت  
 بسپار و مانوسینها است. ما  
 حد حور سرمایه نداریم. هر کس  
 حسی شود خیرت‌دهندی نوده‌هاست.  
 حد نداند و حد نداند تمام  
 سرمایه‌داری است. صاحبان سرمایه  
 کوچک و "بزرگ" با آنها کسب  
 سرمایه دارند. ارباب و سرمایه  
 سرمایه‌داری. امید کوچک‌ها بزرگ  
 و امید بزرگ‌ها بزرگتر شدن است.  
 این ناسر سرمایه‌داری است. این  
 آرمان سرمایه‌داران است. آرمانی که  
 فراسر از عیان‌نامه سرود و بعضی  
 کنند برار تمامه و کلاه است. آرمانی  
 کدپودایی و مسخایی، سلمان و رند  
 را در یک مرس واقعی اثر و ملکوتی  
 سر یک می‌دوختند و آورد. و این  
 است که بر جامعه سرمایه‌داری حکومت  
 میکند و این است که خوی را منحرف  
 آقای حسی بصورتی که حسی نیست.  
 آقای نهی‌ادعا میکند که حسی نیست  
 اما حرکت واقعی به سرمایه‌داری  
 وند بر معنای ادعای نهی تنظیم  
 مسود و انتخاب که درست در لحظه ای  
 کدپستی حال می‌گردیده است. جام  
 حالی می‌گردد. و انتخاب که درست در  
 رمایی که امام صورت می‌گردد رفیقان  
 در بیرون کرده‌اند، در حدها مانده  
 بود. مبارزه با امپریالیسم  
 سار خوب. حد خاسوس آمریکایی  
 گرفته شد. حد بهر حد لبرال  
 افسار شد. سارغانی. فاندان  
 کان را مدتی ندادم. خدمت‌مندی.  
 آقای امپریالیسم دستگیر شد. حبه  
 سعادت. و بوی جوانان کس و کس با آنها.  
 ی بی صدر کاندید سوسال دموکراسی  
 عرب. با رای اکثریت قاطع مردم  
 از صدوی درآمد. حد انقلاب دوم  
 بکوهی. از ناررکان نامی صدر  
 "بعد هزار سال آگاهی است!"

اجزای قدرت

شد و سن هر هفته اجزای کونکسری  
 از طرفداران این با آن مرجع قدرت  
 و آن با این مرجع مذهبی با همه  
 غریبه گذاشتند. تراکسونهای مختلف  
 در داخل حزب جمهوری اسلامی و مراکز  
 قدرت کوچک و بزرگ در خارج از آن از  
 بکطرف، و افسار. ماهیت سارهای از  
 کرداندگان آن از طرف دیگر پس از  
 حد ماه غیرمعمول قدرت و وضع  
 با سامانی برای آن بوجود آوردن  
 آنکه هر یک از رهبران حزب در طمعی  
 و منحصر کردن قدرت به نایب محدود  
 حد بقهری خود و لاجرم نیک‌کسندن  
 دهها نعل و مصدکار را با همه  
 نهایت‌های خود رسانده بودند و این  
 امر برای ساری غیر قابل تحمل  
 شده بود. وضع این حزب در اواخر،  
 بدین روزهای حزب ساجیر را ادعای  
 میکند. کانسوی از بوطند و نایب  
 ناری، مرکزی برای واگذاری قدرت  
 و نسیم نایب‌المال. و این امر  
 بصوابت حسادت سایر تشکلات  
 قدرت را بر نیکبرد، و بر اینکه  
 آنها این رفعا با زمانیکه حدود  
 نایگاهی ندانند و اجازه ممنوعی

بشود و حسی بود. کار روحانی، ماسد  
 سایر انبار در این دوران مستعاره  
 علیه‌ما بود و سنسد مراتب سستی  
 برای تنظیم آن کفایت می‌کرد و عیوب  
 حزب - اجزای از نوع جمهوری  
 اسلامی - که شامل در قدرت بودن  
 عده‌ای و خارج از قدرت بودن دیگران  
 می‌بود را همراه ندانست. اما درست  
 هم‌مان با سروری تمام حد پس از  
 روحانیون با نایب و همکاران بزرگ  
 آقای حسی از فرصت استفاده کرده  
 و حزب خلق الساعی جمهوری اسلامی  
 را بوجود آوردند و نایب‌های مداوم  
 قدرت خود را ریختند. این حزب  
 توانست در صحنه سیاست کشور بصورت  
 مؤثرترین رکن اعمال قدرت در آمد  
 و در حقیقت حزب رساختر اسلامی  
 شود.  
 اما حزب "ترا کیرنده" همواره  
 بقدرات خود را دارد و حلی زودتر  
 از آنچه که طراحان طماع آن تصور  
 میکنند در معنوی از ندادند  
 می‌آمدند. نفاطه‌ی کوناهی پس از  
 تکمیل این حزب جمهوری خلق سلمان  
 توسط آیت‌الله ترعتمنداری تکمیل

تکمال پس هنگام تمام، رهبری رو-  
 جانب نجر سلسله مراتب مذهبی ارکانی  
 جهت اعمال قدرت نداشت. و این عیب

از امام دریافت نمیکردند نمی توانستند کاری از پیش ببرند. در اینجا جریان حوادث بیماری آمد.

"پیروان خط امام" فرقه‌ی جدیدی که ظهور آنرا در صفحات پیش‌شرح دادیم پایگاهی شد برای هم‌تشیگان بی‌سهم از قدرت. ایمان با نوسل مستقیم به امام از فوق سر حزب جمهوری اسلامی عبور کردند. اما در این میان خواست خود امام و نه نیت پیروان او تعیین‌کننده بود. توضیح آنکه بلافاصله پس از انقلاب، امام از تشکیل حزب جمهوری اسلامی استقبال کرد چون خود سازمانی نداشت و وجود یک حزب فراگیر "وحدت‌کلمه‌ای" را مفید تشخیص میداد. اما وی ظرف مدتی متوجه شد که اولاً این حزب فراگیر نیست و

"حزب" پیروان خط امام، ستاره‌ی حزب جمهوری اسلامی سربعا افول کرد تنها آنجا که همه جا تابع شد که آیت الله بهشتی دستگیر شده است و نظائر آن. پشت‌پائی که حزب جمهوری اسلامی در مورد جلال‌الدین فارسی‌خورد آنرا با سرزمین آوردی‌طوریکه حزبی که مسلم میدانست ریاست جمهوری را قبضه خواهد کرد بطرز فلاکت‌باری شاهد بیروزی رقیب شد. با اینهمه زیاده‌رویهای پیروان خط امام و انکاء مطلق آنها به امام، همراه با بیماری وی تاکنون اجازه نداده است که سازماندهی این جماعت کامل شود و بیشتر در حال خاصر بصورت یک نیروی سیاسی وجود دارند تا قدرتی تشکیلاتی. مسلم است که حزب جمهوری اسلامی

آئینده‌ی حزب جمهوری اسلامی را بنا خدا داند چند میلیون فرصت‌طلب حول و حوش‌شان میدهد. اینها بمشابه‌ی حزب، جدی نیستند. بمنزله مرکز توطئه، بسیار جدی هستند و نگفته پیداست با زمانی چنین اند که توطئه تعیین‌کننده باشد و نه حرکت.

اما سرنوشت سایر احزاب شنشی قدرت نیز سزاوار پرداختن در حد عبارتی است. جبهه‌ی ملی کونسی که در حقیقت همان جبهه‌ی ملی دوم گذشته است با آنکه اثری بر وجودش مترتب نبوده است معه‌ها به یمن نوکی در "ابوزیون" محترم بودن امیدوار است که در آینده بختش از حالا باز شود بویژه آنکه افشاکری لیبرالها شامل حال آنها نبوده و میانوانند

بدین طریق ملاحظه میشود که احزاب قدرت، همه چیز هستند. هر حزب، اینها مجموعه های خلق الساعه متشکل از قدرتمداران و تشنگان قدرتیست که تا زمانی که تقسیم قدرت در میان آنها موجودیتی دارند ولی بیک‌باد بندند. اینها از نظر شکل، محتوا و عملکرد همزاد حزب رستاخیزند. احزاب فرمایشی

نمیتواند باشد، ثانیاً رهبران آن با وجود ادعای پیروی از او کنگ خود را می‌سایند و هر جا بتوانند حتی با و کلک می‌زنند. در چندین مورد "اظهار خشم" های امام شامل رهبران ایس حزب شد ولی کار زیادی نمیتند کرد. "پیروان خط امام" بهترین فرصت را بدست امام دادند با حزب خود را تشکیل دهد. حزبی که سران آن وابستگان و طلبه‌های خود او باشند و جدا از او موجودیتی نداشته باشند. انواع حاج احمد آقاها و موسوی خوینینی‌ها که نه از لحاظ مقام و رتبه روحانی جایی در صدر سلسله مراتب داشتند و نه در باند کوچک رهبری حزب جمهوری اسلامی به بازی گرفته شده بودند تنها از این طریق بود که میتوانند و توانستند جز قدرت‌مداران واقعی کشور شوند. بفاصله‌ی کوتاهی پس از تشکیل

بیکار نخواهد نشست و با اسفاده از وسعت و تشکیلات خود خواهد کوشید که آب‌رفته را بحوی باز آورد. معه‌ها ما تصور نمیکنیم که این حزب بتواند قدرت گذشته را کسب کند و صرفاً بعنوان یکی از بلوکهای قدرت بر جای خواهد ماند و با حکومت بنی‌صدر در سازش و جدال، تریک قدرت خواهد بود.

بدین طریق ملاحظه میشود که احزاب قدرت، همه چیز هستند بجز حزب. اینها مجموعه‌های خلق الساعه متشکل از قدرتمداران و تشنگان قدرتیست که تا زمانی که تقسیم قدرت در میان آنها وجودیتی دارند ولی بیک‌باد بندند. اینها از نظر شکل، محتوا و عملکرد همزاد حزب رستاخیزند. احزاب فرمایشی، سرنوشت حزب جمهوری خلق مسلمان با ۲-۳ میلیون عضو (۱) سرنوشت

"مستقل و ملی" بودن خود را تبلیغ کنند و این بخصوص در شرایطی کبراست که رقبای دیروزی، جبهه‌ی سومی‌ها (بخنبار - بازرگان - فروهر) در وضع جالبی نیستند. بختیار مرحوم شد. دست‌بازرگان و روابط با آمریکا رو شد و جناب فروهر فقط بیس بوکر منشی استثنائی و لهدا جلب محبت خاص بزرگان است که فعلاً مصون مانده است و گرنه کیفیت که نداند که او اگر از آن دوتای اولی "خوش‌سابقه" تر نباشد کمتر نیست. مصاحبه‌ی معروف اینان با نیویورک تا بجز چندی قبل از انقلاب که در آن به آمریکا توصیه میکرد که کوتاه بیاید و گرنه در ایران انقلاب خواهد شد (۱)، چنین بلند نجوای در گونی اینان با مقامات آمریکایی بود. و اینرا از ما داشته باشید که اگر ایشان علیرغم آبرو ریزی انتخاباتی ("شکست")



واژه‌های ناراست) روی خود را کم نکند "اسناد" ایشان هم رو خواهد شد و نشان داده خواهد شد که مثلث سه‌گانه قدیمی ( حزب ایران بختیار، نهضت آزادی بازرگان، و ملت ایران فروهر) محور یا نقطه اتکاء مشترکی در وحدت داشته‌اند منتها این محور از میان مثلث عبور نمی‌کرده بلکه بخارج متمایل بوده است!

#### احتمالات آینده

انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری و در مد بالای آراء او (بقول خود ایشان بالاترین درصد تاریخ بشر) بیچاره استخوانهای مجیب‌الرحمان در قبر میلرزد) نشان داد که علی‌رغم تشتت و جدال موجود، یک مرکز غیبی نیرومندی وجود دارد که حساب و کتاب خاص خود را دارد. این مرکز غیبی نه هیستریک میشود، نه شیفته‌ی "خط امام" می‌گردد، نه مرعوب قدرت ظاهری حزب جمهوری اسلامی میشود، و نه از تو دهنی خوردن لیبرالها سراسیمه می‌گردد. آقای بنی صدر طبعاً هر چه هم که از جریانات مطلع باشد مایل است چنین بنمایاند که تفاوت ایشان و مسلا آقای حبیبی و دیگران آنقدر بارز و کوبنده بوده است که روستائی دور افتاده‌ترین نقاط ایران هم دریافته است که ایشان ارجح و اولی هستند. مردم مسلمان (آراء

طاغوتیان مدنی دوست را کنار بگذاریم) صرفنظر از وابستگی باین یا آن حزب و آن یا این مرجع، زیر همه چیز زدند و ستاره‌ی درخشان را با اکثریتی کوبنده انتخاب کردند. روای کمپته‌ها خود بخود زیر دستور حزب جمهوری اسلامی زدند، مسئولین جهاد سازندگی ساکمان پشت به سرور خود آقای بهشتی کردند، پاسداران قیام کردند، مردم قم علیه مدرسین محترم شوربندند، عشایر گوش بفرمان خانها ندادند، پس نمازها پیش نمازها را دست انداختند و سی چهل معجزه‌ی دیگر شد تا اینکه مردم تمویر خورشیدی که دیگران در مقابلش ستاره‌ی کوری

بیش نبودند را بجای شیر و خورشید مرحوم بگذارند. بسیار خوب. این تمویری است که آقای بنی صدر میخواهد دیگران بپذیرند. اما همه‌ی مردم بچه‌هایی نیستند که دیروز زائیده شده باشند و ما هم با کمال خضوع دیروز چشمان بعالم باز نشده‌است. ما بجای سی چهل معجزه، بیشتر ما یلیم یک معجزه را قبول کنیم. مرکز غیبی را. در گذشته‌ها در پیش‌بینی‌های خود بخطا نرفته‌ایم. امیدواریم این یکی فعلاً به پشتوانه‌ی آنها مورد توجه قرار گیرد.

اما یک معجزه یا سی چهل معجزه، نتیجه‌ی این است که بنی صدر از میان محارم، نزدیکترین فرد به لیبرالهاست که خیلی مورد "خشم افشاگرانه" واقع شده‌اند. از لحاظ سیاست اقتصادی و از لحاظ سیاست سیاسی! بنابر این اگر ما آقای بازرگان را دو سال پیش نماینده‌ی دست دوم سرمایه‌داری خواندیم آیا اکنون حق داریم آقای بنی صدر را نماینده‌ی دست سوم آن بدانیم؟ تصور میکنیم حق داشته باشیم. نه تنها "اقتصاد توحیدی" مورد ادعای ایشان، بلکه برنامه‌های آینده‌ای که قطعاً از "پیرایه‌های" نجیب‌تئوریک اسلامی ایشان پالوده خواهد شد محتای این ادعای ما را بشبوت خواهد رساند.

های بنی صدر در شرایط موجود ممکن ترین بیان و جلوه آن چیزی است که در بطن جریان دارد. سرمایه‌داری.

بنابر این چشم اندازی که ما می بینیم، عبارت خواهد بود از کوششهای پیگیر ایشان و کابینه‌شان در بازی اقتصاد سرمایه‌داری، روی کار آوردن تکنسین‌های حاضر بخدمت، بسط مناسبات با بخش "سالم" سرمایه‌داری جهانی - بگفته‌ی ایشان اروپا و ژاپن (بگفته‌ی ما جناح غیر نظامی سرمایه‌داری جهانی - اروپا مستقیماً، و امریکا از کانال بازار مشترک). اراجیفی مانند وامها بدون بهره و نظائر آن کذب محض بودن خود را نشان خواهد داد و بجز

در مواردی که برای تعدیل لیبرالی یا سویال دموکراسی وار، از پول نفت جبران خسارات ظاهر سازه‌های بانک مسکن و نظائر آن بشود (و در این موارد کویت قطعاً غیر سرمایه - داری (۱) پیش‌کسوت دیرین آقای بنی صدر است)، سرمایه‌داری عربیان حکومت خواهد کرد. اما تا زمانیکه باین عربیانی اعتراف شود، مدتی طول خواهد کشید. عبارت بهتر مزاحمانی از این سو و آسمو دست آقای بنی صدر را اگر کلا نبندند لاف در حرکت محدود میکنند.

مزاحم اول بقایای خواست انقلابی‌توده‌ها و وجود فعالیت سازمانهای چپ است. اینها بهرحال همیشه برای سرمایه داری موی دماغند و بدین جهت بطور خاص در اینجا به آنها نمی‌پردازیم اما مزاحم دوم ویژه ایرانست و توضیحی در مورد آن ضرورست.

روحانیت ایران پس از شروع گسترش مناسبات سرمایه داری، به تدریج در جهت شکستن محدوده‌های کاستی خود حرکت کرد. تظاهر خارجی این شکاف برداشتن را در موضعگیری متضاد جناح‌های مختلف روحانیت در انقلاب

مشروطه و پس از آن دیدیم. این شکاف حول محور تعلق بخشی از روحانیت به مناسبات مافیل سرمایه‌داری (فئودالها و اصناف و نه خرده‌بورژوازی) و تعلق بخشی به بورژوازی

و خرده بورژوازی در حال رشد بود. با از میان رفتن فئودالیسم و تبدیل اصناف به خرده‌بورژوازی از یکجانب و وابستگی روزافزون بورژوازی بومی به سرمایه‌ی جهانی این تقسیم‌بندی بتدریج دستخوش تغییر شد و شکافهای جدیدی در کاست روحانیت بوجود آورد. بطوریکه اکنون میتوان بطور عمده دو بخش در روحانیت مشاهده کرد.

بخشی که عمدتاً به خرده‌بورژوازی (اصناف تغییر شکل یافته و خرده‌بورژوازی سنتی) متکی است و بخشی که از قشرهای مختلف بورژوازی الهام میگیرد. طبیعی است که از آنجا که بورژوازی و خرده بورژوازی پیوندهای عمیقی باهم دارند و سرمایه نقطه

آثار و مستند آنها را مسارد جدال دو  
 بخش را در جدال درونی جنبه سرمایه  
 باید دندونه ممتاز آن . علاوه  
 در کنار اسیران منافع مولود سرور  
 سرمایه، مسئله بنابر مهم اسیران  
 منافع در حفظ حرمت مذهب و سلب  
 مراسم آنرا باید در نظر گرفت .  
 عبارات دیگر نباید از تاریخ جلو  
 رد و محور کرد که کاس روحانیت  
 کلی در هم نکشد است و نه از آن  
 ماند و خصوصاً کاسی را در حرکت  
 روحانیت عمده سزد و مانند بعضی  
 سازمانهای حب سر آن اصرار ورزید .  
 بنده ها را آنطور که هستند باید  
 دید و نه آنطور که بهتر است  
 بنوربهای از بین ساخته شده حور در  
 میآید . بنابر این، از آنجا که  
 حردده سرورزوی تعالیرین بحسب جنس  
 بوده است، و از آنجا که روحانیت  
 تعالی و سعیرین باه را در بنده  
 دارد، و بار از آنجا که روحانیت  
 منکی نه حردده سرورزوی در حال حاضر  
 دستالا را در قدرت دارد، و با در  
 نظر گرفتن اینکه حردده سرورزوی خود  
 از حس تاریخ و سربوست محبوم خود  
 مطلع نیست و نمیداند که بدیلی بحر  
 مناسبی بر مابعداری ندارد و بحسب  
 این نوعی است که میتواند سرمایه داری  
 را در اینجا و آنجا بصفای بطلید...  
 ابتدا ما باید مناومسها، سازدها و  
 در سر بهائی بین این نوعی زدگان  
 و رهبران با نحوه ی کردس اوضاع،  
 مسر حرکت اقتصادی جامعه، خواهیم  
 بود و در این میان آنگاه بی صدر  
 این مراحمینها را با کوس و پوست  
 احساس خواهد کرد . این جدال نفس  
 کینده ی بسیاری از حوادث خواهد بود  
 و کرجه بد اصالت جدال حسی، و  
 قدرمداران نسبت معینا در این  
 شرایط محض تاریخی آثار لحظه ای  
 و مومنین کمتر از آن بخواهد بود.  
 سطر میرسد که اگر حب باسی  
 شخص میرسد که یکی از محصولات  
 این جدال، گاهی بوهفات شخصی از  
 خردده سرورزوی و حرکت اجباری آنها  
 سمت جداست در این صورت سر  
 مواقع حب خود استادکی میکرد و در  
 رفع بوهم حردده سرورزوی رادیکال



۵۵۵ و عاصی انقلاب

سهم مستد اما حسی است که بحسب  
 مهمی از جباران بجای کساندن  
 حردده سرورزوی به سمت چپار فرط  
 اسای خود سوی حردده سرورزوی  
 حرکت کرده و بوهفات آنها را ثوب  
 می بخشد . سوبه ی بارر این بر خورد  
 را در دفاع بحسب مهمی از حب از  
 برنامه ی سعود رجوی و کاندیدابوری  
 او دیدیم و امروز کمان نمیکشیم که  
 هیچ کمونست مدنی مگر این  
 واقعیت باشد که این بحسب از حب  
 در بر رکن از پس کردن و معسرر  
 از کدسه کردن نارمان محاهدین به  
 سمت عقب ماندن و دنباله روستدن  
 حب بریدی داشته باشد . این بحسب  
 از حسبه بوده ی مردم بلخس کرد که  
 بدیل آینده نارمان محاهدین و  
 سعود رجوی است . توضیحهای  
 "سروط" کینده ی آنها بیجا برای  
 تاسع کردن هواداران منبواسست  
 مقید افند، بیانی که نه سوبده ی  
 مردم رسد است بود که سعود رجوی  
 کاندیدای سبب انقلاب است . ما همه  
 بسب سر او هستیم . و حد خای تکفینی  
 که بسیاری از کسانیکه پس نارمانها  
 حدو محاهدین مردد بودند به سمت  
 محاهدین حرکت کردند . اینگونه به  
 بوده "تعلیم" دادیم .

بهر حال در این مقاله مجال  
 پرداختن به این فضا نیست و این  
 اشاره هم از آن جهت است که تذکر  
 داده شود منافات بحر عمده ی حب  
 نه روز میگذرد، روزمره حرکت  
 میکند، تراکم استاس و سایر  
 این تراکم خوبی ندارد . و اگر  
 وضع حسی بنامد بار هم در سعیر و  
 تحول آینده، و باید در انقلاب  
 سیاسی آینده، حبه بصورت یک بدیل  
 بلکه بار بصورت حامی این با آن  
 سرو ظاهر خواهد شد . مگر آنکه  
 اسرار "معجزه ای" در این طرف خط  
 صورت نکند . و ما در فوق کفیم  
 که به معجره معقدیم! شاید اسرار  
 اعجاز را بنده سایی کیند که از  
 سازمانهای حسیسر خواهد رفت .  
 این اعجاز ممکن است، چون سوبده  
 در سروسه ی وانعبت حرکت میکنند و  
 سازمانهای حیدر بند انعکاسهائی  
 مسح سده ی وانعبت اند .



نام تو  
مطلع غزلی است  
که بی پایان است

## گرامی باد یاد شهدای سیاهکل

بزرگداشت سیاهکل تنها بزرگداشت یک حماسه نیست. تجلیل از آغار شکوهمندی است که طی آن عصر مهر مهر خود را برای همیشه بر پای مبارزات انقلابی ایران کوبید. بهمن ۴۹ آغاز روندی است که به بهمن ۵۷ رسید و از این قله تا فله‌های رفیع تر، تا بهمن‌های عظیم سرو جاودانی‌تر خواهد رسید. یاد ۱۹ بهمن ۴۹، یاد نطق‌های روشن در تاریکی فضای آریا مهری، یاد انقلابیون سرنوشت‌ساز و راه‌جویان دلاورفدائی خلق را عزت میداریم و ارج میگذاریم.

درس‌آموزی از سیاهکل و راهی که بدن‌پرینی کشته‌شده شد، فراگیری از موفقیت‌ها و عبرت‌اندوزی از شکست‌ها، بنا هم امروز که ۹ سال از آن میگذرد هنوز از عمده‌ترین مباحث جنبش انقلابی ایران بطور اعم و جنبش کمونیستی بطور اخص است. هنوز هم یکی از وجوه مشخصه هر جریان سیاسی را چگونگی برخورد آن با سیاهکل تشکیل میدهد. هنوز هم اعتبار سیاهکل و سیاهکل‌ها است که بدرستی بمشابه یک معیار میزان صداقت و فاطمیت‌یکار برده میشود. و اینرا دوست و دشمن معترفند و چه چیر کویاتر از این.

تخلیل ما از سیاهکل به بجزله گذشت از اشتباهات چه بسا کمرشکنی است که عارض انقلابیون شد و نه بمشابه سوابق به نسخه برداری از آن. هم آنان که توجیه گر کوباهی‌ها و نادرستی‌ها هستند، و هم آنان که فقط کوتاهی‌ها و نادرستی‌ها را می‌بینند، به عنای جنبش انقلابی ایران، و بسا بزرگداشت سیاهکل آن چنانکه شایسته است، کمکی نمی‌رسانند در این زمینه از همان آغاز، از زمانیکه هنوز طنپین رگبار مسلسلها در کوهها می‌پیچید تا امروز - که نشاط

جولان در فضای آزاد کنونی یاد گذشته‌های خفقان‌آلود را چنان از پاره‌های از آدهان برده است که به انقلابیون آن زمان خرده میگیرند که "جرا کار نوده‌ای نمی‌کردند" - از بیان نظرات خود ابا نداشته‌ایم. در آن روز عده‌ای خرد می‌گرفتند که چرا در کمال مطلق نطاط صغفی می‌بینیم و امروز هم‌اتان متعجب میشوید که چرا "مظهر انحراف" را بزرگ میداریم. وما اصغار می‌کنیم که این درس را از سیاهکل آموختیم که خود بانیم، از تخلیل شرایط محصص جامعه حرکت کنیم و به انتظار شرایط مو عود، انفعال را سوجه گر نباشیم.

سیاهکل به همه حلقهای ایران ثابت کرد که استیمن کویستنها هستند که راه می‌گنایند. سیاهکل ثابت کرد که

فاطم ترین و رزمنده‌ترین نیروهای انقلابی ایران را کمونیستها تشکیل میدهند، و این را امروز علیرغم جولان فالتنویسیم، علیرغم سلطه‌گری قشریون مرتجع و علیرغم قدرت‌نمایی "انقلابیون" خلق الساعه، همگان - و حتی فالتنویسها و مرتجعین و "انقلابیون" حکومتی - با گوشت و پوست خود لمس میکنند. گستاخ‌ترین قشری متعصب با مقابله با نام سیاهکل، جاره‌ای جز فرار ندارد، و در اعمان وجود خرده سرین عنصر آنتی کمونیست سردیدی که سیاهکل وجود می‌آورد قابل شناخت است. و ما ایمان داریم که همین عنصر عنصر حقیقتی که موقتا در آدهان بخشی از نوده فریب خورده در زیر پوششی از تبلیغات زهر آگمن پنهان شده است روزی بمشابه یک جرقه، آتش افروز خواهد شد. این عنصر از بین رفتنی نیست. رشد یابنده و فراگیرنده است. وما هراتبری آنرا نه در زمانهای دور بلکه در آینده‌های نزدیک می‌بینیم. هم ما چنین گمان میداریم و هم دشمن آنرا پستی بینی میکند. بیهوده نیست که همه دشمنان سوسالیم و همه وابستگان سرمایه‌داری - از بورژواهای "لیبرال" و "آزادی خواه" تا خورده بورژواهای قشری و کونه بیسی - علیرغم جدالهای خود در یک چیز شریکند: دشمنی با کمویسیم. وما این دشمنی را نیز عزت می‌نهیم که توهم زداسد و درس‌آمور. رفا! سیاهکل یادگار رفقای کمونیست ماست. سیاهکل سنت ماست. سیاهکل نمودار عزم ماست. بیاد همسه انقلابیون ایران، تمامی نهادهای کمونیست و بالآخر در این روز خاص به خاطره رفا:

علی اکبر صفائی فراهانی \* اسکندر رحیمی \* هادی فاضلی \* غفور حسن پور \* هوشنگ نیری \* عباس دانش بهزادی \* ناصر سیف‌دلیل صفائی \* جلیل انفرادی \* محمد محدث قندچی \* حسن مشیدی \* هادی بنده خدا لنگرودی \* احمد فرهودی \* مهدی اسحاقی \* اسماعیل معینی عراقی \* رحیم سمائی

دردود معرستیم و بشرفنت جنبش کمونیستی ایران را بزرگترین یاداش قهرمانیهای آنان مشماریم.

"تا امید نابودی سرمایه‌داری و برفراری سوسالیم"



# جنبش چپ ایران و جنبه‌هایی از بحران هویت

سیاری از نیروهای چپ هویت مستقل خود را در برابر سایر نیروهای شرکت‌کننده

## در جنبش فراموش کرده اند

## برراد رسمی

دهد، موری درهم و معوسه طسف  
حب مبداد، حب ایران به حسن  
دقیل - ویر خلاص ساری از جنبشهای  
چپ جهان که سر در کبر اخیای بوده  
اند - تمامی هم و عم خود و آلتراسو  
های اجتماعی خود را در امر ترکیبی  
اسناد بکار میبندد. و همین امر  
باعث گردید در حسن سروطه و حسن  
جنگل و حسن ملی کردن صنعت نفت  
و تمامی حرکات مختلف اجتماعی،  
ببلیغ شعارهای عمدا دموکراتیک و  
دنباله‌روی از حرکات غیر پرولتری  
بماندگی یکی از وجوه ضعف  
جلوه نماید.

در سالهای اخیر سر، کر چه  
انگتاف نیروهای مولده بسری طبعی  
برای ناکبری حد فراهم کرد ولیسی  
باز اسناد و دیکتاتوری ساه رژیم.  
بعنوان فاکتوری مهم در حکومتی روند  
یکاملی حب نفس‌بدا کرد.

شندید روزافزون دیکتاتوری  
همه جانبهی ارکانهای سر رژیم  
واسته به امیرالیزم ساه باعث شد  
که حرکتی وسیع و موده‌ای بحر آخه در  
یکی دو سال گذشته ساهید آن بوده‌ایم  
وجود نداسته ناید. نفس  
عباید و بعضب عناصر سارر و سرت  
مداوم به هر شکل اسدائی و کوچکی  
و کنترل سدد کارخانه‌ها و کارگاهها  
و روساها، مبارزین انقلابی را به  
انزوا و سر زمین کشاید که بنا به  
طبیعت خاص اس محافل - که خود سر  
دچار انحرافات اساسی بودیند -  
فائد ارتباط فعال سازمان نافه سا  
بوده‌های زحمکش سددند. و اس سلطه‌ی  
سرکویکرانه نا بدانجا انجامید که  
حتی ارتباط اسن محافل نیز بایکدیگر  
حدان آسان نبود. ماهها طول مکشید تا  
یکی از سازمانها و نا یکی از

اولدی جنبش چپ، حاکمیت بنا سارخ  
روزبوسیم حزب موده و موده ابسم در  
حسن کمونیستها و حبانهای آشکار  
آنان به حسن کمونیستی و همجنس  
وجود سالیان دراز اسناد، سرور  
و خفقان در ایران - که در نوع خو  
در جهان سی نظیر بود- از جمله  
عواملی بود که چپ‌انان را از تجربه  
اندوزیهای مداوم، ارتباط نزدیک  
با موده‌ی طبقه‌ی کارگر محروم،

و جارا مسعد انواع و اقسام  
انحرافات سیاسی و اندتولوژیکی  
سماید. بی جهت سسکه حدان سران  
عبرعم آنکه سالهاست یکوسسه‌ای در  
حیات سیاسی معاصر مطرح اسد، هسور  
سواسسه اسد درک روشنی از ساررهی  
اجتماعی و وظایف حوسن ارائه دهد،  
و بسار آنکه عمدا مسعکس کشیده‌ی  
خواستهای واقعی پرولناریست  
ساررهای علیه سرمایه و سرمایه‌داری  
باشد، بحسب سبب سمالا دهنیسی  
وسعیترین موده‌ی فعال حسن حسب  
- حرده بورژواها- و تحت تاثیر حسو  
حاکم در ایران - جو اسناد و  
اختناق - فرار گرفته و عملا در صف  
و نا دنباله‌روی غیر پرولتری  
حرکت مکند، و نسجنا حدفاصل وی نا  
سارر نیروهای آزادبخواه. عمدا در  
فاطعبط طرح شعارها و راههای عملی  
وصول به حواسها و اهداف فرار دار د  
وبه درجود اسن اهداف، حاسکه حب  
ایران، بدون دانسن سنوانه‌ای قوی  
و بدون آنکه قادر ساد عملا مرسیدی  
محص حوسر را نا سارر نیروهای درکسر  
در سکار اجتماعی روشن سماند وارد ما-  
رره ای بس مهم مکردد. وجود احساق  
واستیداد سی حد و مرسوفعدان یک جنبش  
وسیع موده‌ای که سواند فعل و انفعالا  
ساررهای اجتماعی را جمع بندی و انفعال

یکسال از پیام نکوهصد مردم  
ایران کدست. در این یکسال حب  
چه کرد و چه حواست مسند اسسکه  
سررسی مختل و دسوق آن احتیاج به  
روشن سدن هر چه سسر سیرحرکت  
جنبش جید در جامعه دارد نا سوان با  
سوجد سد و انتسبهای اجتماعی اسرچورد  
جیبه نام و سی آمده‌ای آن جمعیدی  
نسبنا کاملی را ارائه داد. اما  
آخه مسلم اساس اسنکه عملکرد  
جیدر یکسال کدشته، سسب آوردها  
و سفا سهای آن حدان "خلیبه‌های  
عمومی" حدو خلیها و سسختا سرائیک  
ارائه داده سده از جانب آن مرتبط  
اسد. و هر سرچورد باید ارتباط  
حلب عمومی حب و عملکردهای آسرا  
مورد سررسی فرار دهسد. ارتباط  
منطقی کد سنها در ترکیب موده‌ی عملکرد  
حب در یکسال اخیر نبوده، بلکه شامل  
کدسیدی حب، زمینه‌های تاریخی رسد  
آن و سارر مسعددی که در سمت سالدی  
احسر گسب موده اسن نیز سناسد.  
در اسن زمینه بخصوص باسد  
سرايط تاریخی نای کبری حسب  
سوالبستی در ایران را در مد نظر  
فرار داد و از سارر سراط و بره  
که اس حسن در ایران آغاز به رسد  
سمود و سائرائی را که سر رو سدد  
رسد سعدی آن سهاد عاقل سماند. ربر  
که وارد سدن فرهنگ و اندسسه‌سهای  
چپ در ایران سس از آنکه محصول  
رسد نیروهای مولده و انکساف تاریخی  
جامعه‌ی سسی ایران ساد، ساشی از  
تاثیر بدیری روسفکران ایران از  
فرهنگ سوسالستی در سراط مساعد  
انقلاب سروطیباست.

در حسب عدم وجود پایه‌های  
مادی اجتماعی ( سطح نائین یکامل  
اجتماعی ) در سسکام نصح کیریبه‌های

گروههای مبارز، گروه دیگر و سایر سازمان دیگر را بنامد. این سازمان بنا به شرایط، که قطع برقع این ارتباط را امری بدیهی و محسوس میسازد و غالباً جلسات در محدوده رده بدل کردن اطلاعات و اخبار نامی میماند.

از سوی دیگر، که شدیداً در مورد تولیدات فرسایشی و سلطه انحصاری بر وسائل ارتباط جمعی باعده بود که دسترسی به کتب و مقالات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی امری محال میبود و اغلب بر اینطور بود. بطوریکه منابع بعدی شوریک بسیاری از مبارزین همان منابعی بودند که از دوران ممتد سادکار مانده بود و آنچه که بر بهمت خود مبارزین بهیه و برحمت و شخصیت در سطحی نبود که

شوریک - سیاسی حد کردند و موجب آن شد که مبارزه با استبداد و دیکتاتوری وجه غالب فعالیتها گردد.

گاهی به تحلیلها و آثار شوریک حسی چپ بنام میدهد که اکثر این تحلیلها، حول سرکوشی رژیم و طرح شعارها و برنامه‌هایی در این زمینه است. چپ‌انان پس از نیم قرن علیه استبداد شعار میدادند و برای سرکوشی دیکتاتوری و احضار برآمدگی میگردید. امری که بخودی خود نه تنها نادرست نبود بلکه لازم ولی غیر کافی بود. امری که نه چپ هوسا مستعل و مطبق با رسالت تاریخی اش میداد و در نهایت او را در طیف "حت" افکار و طبقات غیر پرولتری، سکی میداد و نه در حاکم و مبارکات تاریخی چپ یعنی پرولتاریا چرا که طبقات و افکار وسیعی از حده شورویاری بودند و هستند که جهت

کسی بود که در امر مبارزه علیه رژیم، حادثه‌ها و ناظر برین شکل مبارزه را احضار میکرد و بر عکس، "راست" کسی بود که در همان امر - مبارزه علیه رژیم - سکی از مبارز را احضار میکرد که کمتر از "چپ" رادیکال بود، دیگر سخن در یک امر واحد تنها شکل مبارزه پس "چپ" و "راست" خط کشی میکرد و این درباری سازمانهای غیر پرولتری و مریدی "حت" با آنان بطریق اولی تعیین کننده بود. سکیست که شکل و طریق مبارزه، در تحقق حواسها مؤثر است. ولی شکل مبارزه یک وجه از صور گوناگون مبارزه‌ای اجتماعی است. شکل مبارزه اگر در رابط با معنی و محسوس مبارزه مطرح نگردد، عنوان عنصر مستعل و تعیین کننده در ارزش گذاری بدیده‌ها عمل خواهد کرد. و قی همه یک معنی و یک محتوا

با همگامی میگردید، بنامی سازمان دادن به قدر مستقل خود و توسط همکاران بهیای تحلیل میسازان سازمانهای چپ تحت برنامه‌ای که جمعیت‌های یکات مشترک آنها باشند، به جنبشهای مبارزانه‌ای غیر پرولتری میگردید، هوسا خود را فراموش کرده است و مستقل نیست.

راهبانی حاکم موری برانند، از تحلیل‌های رور حیری بود و آنچه بود بحر حد مورد آخنان بود که نه زبانی چپار بر در کمی نمی احضار در صورتیکه در ساهبر - سانس دیکتاتورهای مثلا کشورهای امریکای لانس، وجود مقاومت و حسن کارگری و سکنات کارگری - با استغلال بسی و خواسته‌های صنعتی - رمینه‌های ارتباط سازمانها و عناصر چپ را با حسن کارگری فراهم میسازد و وجود همین رمینه‌ی بالسنیدی سیاسی - صنعتی، امر استمال بحریه و مداوم سنه‌های مبارزاتی کارگری و جمعیتی این مبارزات، هوسا محسوس و استقامت شوریک چپ را موجب می‌کند. امری که در ایران هرگز بحدود در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد وجود نداشته است. بهر حال، این امر با عتق

عمده‌ی حرکت سانیان مبارزه علیه استبداد و دیکتاتوری است، لکن سنها کوبه‌ی طرح شعار و برنامه‌ی سیاسی و طریق مبارزات آنها را از حادا میکند.

نگاه کنیم به آنچه که چپ میکنند و آنچه که دیگر سازمانهای سیاسی مطرح میسازند. هر دو در روی یک سکه - سکه‌ی مبارزه علیه دیکتاتوری و استبداد - بودند. حضور مداوم و سرکوشانه‌ی استبداد، عمده‌سازر اشکال مبارزه‌ی نیروهای تحلیل سیاسی انعکاس می‌یافت و نه در کیفیت آنها. و این حتی در درون خود طیف چپ - امری قابل توجه است. راست رویها و چپ رویها در اکثر موارد، صرفاً از زاویه‌ی چگونگی شکل مبارزه علیه احضار بررسی می‌کند و نه در محسوس شعارها و طرح برنامه. "چپ"

ویک هدف را تعیین نماید حداقلها فقط در کوبه‌کوبی اشکال وصول ناس اهداف تعیین میگردد.

چپ در تمامی دوران قبل از فضا نحای برداختی به رسالت خود، نحای ناس راه حلها و ناسهای لازم برای سکنس پس سنهائی که بر سر راه مبارزه‌ی خود داسد، به تحلیل و یافتن راه حلهائی برداخت که انجام آن بعدی نمایندگان سیاسی طبقات و امتار دیگر بود و همین امر او را از وظائف سیاسی وی دور ساخت.

بعبارت بهتر اگر شعار سرکوشی رژیم و مبارزه علیه استبداد و دیکتاتوری رژیم خودکامدی ایران، شعار مستعلی با مرحله‌ی تاریخی معینی بود، می‌بایستی در سب عنوان یک مرحله معینی از مبارزه اجتماعی چپ بنام برخورد میسازد. میبایستی واقعاً

دریافته مسد که اکثر این شعار، شعار حداکثر نیروها و سازمانهای غیر پرولتری است، برای حسابار حداقل است و باید در کنار آن برای پیسرد هدفهای عالیتر جینی حساب برنامدری نمود و مبارزه را بآن محدود ساخت، و سه آنکه «حای مبارزه مسفل پرولناریا دم جیهی واحد ضد یکاوری» و همکاری با سورروازی رد. وینحنا بودن امکانات برخورد و نلاقی اندسها و حله فرهنگی، سارو و سابع و از خود کدسکی را عنوان یکی از مابطه‌های جنین حساب فرار دا د. مابطه‌ای که با امروز سز جاده‌ی خود را حفظ کرده است. از استرو جی فادر به ساخت سامی وظائف خود نبود و محدوده‌ی برخوردارها او عمده‌ها در زمینه‌ای بود که در راسای درجه‌ی بلوغ او بود و آنجا سز که میخواهد با را از محدودی خود فرار نهد، نفعاش آنکسار سکردد و آرمانهای طبقات غیر را نبلغ مینماید. جی با این هویت، با تمام روبرو مسود. بر این خصوصیات سز کنجه را سز افروود. با ن معنی که جی همواره، تعلت جو یلیسی حاکم. در انزوای خویش فرار کرده بود، باکری تک جنین وسیع نوده‌ای آنهم بدان سرعت را اگر محال مبدانیت، حداقل بعسد می نداشت و بهمین دلیل، زمانکه با آن روبرو شد، سز کجه مبتلا کشت، ریرا که فاعد برنامه‌ی لازم برای سمدهی و جهت دادن بآن بود. جی باز وجوه و صور مختلف حرکات وسیع نوده‌ای شاحکافی نداشت و مسوانست سادگی خود را با آن انطای دهد. این سرکجه سهمراه روس نبودن اهداف اساسی جی باعث کسدر عرصه‌ی این مبارزه، اسکار عمل بدست نیروهای فرار نگبرد که - همانگونه که رفت - رالتشان، منطقی با آن بود. وینی قرار باشد که جی عمده‌ها همان جبری را بکوسد و نخواهد که نیروهای غیر پرولتری سکونند و سخواهد، و وینی نیروهای غیر پرولتری، امکانات عملی شان برای سسج نوده‌ها و جهت دادن آنان

سمرات گسترده‌تر و وسیع تر استروهای جی باشد. طبیعی است که اسکار عمل بدست نیروهای غیر پرولتری فرار نکند. در اکثر حرکات جنین احتر، این سرکجه و فقدان تحلیل و ارانته برنامه از جانب جی خود بیامی میگردد. جی عملا به شاند همه جانبه حرکاتی می نسا که بیجهت از پیش روشن بود و در جهت حکیم جی انحصار طلبانه‌ی روحانیت قرار میگردد. دوق زدگی" سالی از وجود یک جنین وسیع نوده‌ای، بسیاری از نیروهای جی را به تکرم بی خون و جرای رهبری اس حرکت وادان و درسازی از رمینها نیز - از جمله کرانین مردم به تکمیل سوراها - که مسوانست بهره‌ی کافی در خدمت سسج مردم سردد، باز اسکار عمل را به جریان غیر پرولتری سپرد. چرا؟ زیرا همانگونه که کفیم، جی عمد با جریاس در مبارزه علیه دیکناوری و اسناد رژیم وابسته - امیربالیزم بود. ساه ساه دیکناوری بر دوش همه‌ی نیروهای سالی و از جمله جی فرار دانست. سکینی اسار آنجان بود که بر سایر وجوه مبارزه مسئولی گردسده بود و از استرو علترغم همسه‌ی ابرازات و موضعیها علیه امیربالیزم بارهم وحده دیکناوری خود را عمد تا مبتلور ساخت. سالی مبارزه علیه امیربالیزم سسر از راهی مبارزه علیه دیکناوری نکرسه میند، تا به دیکناوری از راهی مبارزه‌ی ضد امیربالیزی. در جین حالی، سسار واضح است که رهبری مبارزه با آن نیروها و جریاناتی فرار بکیرد که بغل محص نارسخی در این مرحله فادر به سسج کسردن نوده‌های وسیعتری حول شعارهای فرضا ضد دیکناوری و ضد سلطنت میناسد. باید کفما که مسی نانی از رسد جنین نوده‌ای و سقوط فریب الوقوع دیکناوری هوش از سر جبر نوده بود. ناسف آور است وقتی می بینم که بسیاری از نیروهای جی هویت مسفل خود را در برابر سایر نیروهای شرکت کننده در جین فراموس کردسد.

سرحی به مصلحت و سرحی به بهاسی "حفظ وحدت خلق"، "توس" از سکنسه نندن صفوف سسجد مردم، بجن وسیعی از حرا ندمال نیروهای غیر پرولتری روانه ساختند بودند. در حالیکه مسد با طرح شعارهای مسفل در منطقی عمومی جنین، صص حفظ نکات سسترک سا سایر نیروها، هویت خود را سز اسرار نمود، و حضور خود را اعلام کرد.

همچنانکه در حیطه‌ی احتماع، لطفات و اسار مختلف مرستندسپای محص با بکدیکر دارند و هر جنین مدافع مافع حوس میناند، در صحنه‌ی مبارزه‌ی احتماعی بر نیروهای سالی که طبیعا مدافع مافع محصای مختلف احتماع هستند فقط پس از روس شدن جی حرکت و حد فاصل خود است که مسوانست سسبه یک همکاری اصولی سردد. سس ارانته‌ی برنامه و شعارهای مسفل و منطقی با مافع سخنها مختلف، نمنوانست و سسج سسکاره صفوف مردم را از بکدیکر جدا سازد.

ولی دیدیم که بسیاری از نیروها با احتیاطی ماسد بهم سحوردن صفوف متحد "مردم" جد فرصهایی را از دست دادند که عواقب آن اسجس دامنگیر همه کسسه است. غیرا سسج است وقتی به بعد فعالیتها و اقدامات جی سالی تمام می سسبم. سس از تمام سز، همین بین اسرار منفی خود را بر حرکات سالی نشان سدهد، جی در این مرحله سیر سز خلاف ادعاها و اسرار اسش، درک کاملا درستی از رسالت خود ارائه نمدهد. روری فعالست دمکراسک و نبلغ شعارهایی که جنیه دمکراسک بر آنها غالب است رمنته‌ی عمده‌ی فعالیت عملی اس مسود، ریرا که سسط جو احصار طلبی توسط حاکمان سو کسسه و نو خامه، محرکی مسود سسرای سسالی کردن میل حقه‌ی حص. سسجد آرادیه‌ای دمکراسک توسط مدرسمداران، فعالیت جی را عمدستا - و محدا - بحول شعارهای دمکراسک مکنانند و او را از وظائف اساسی اس دور میناسد. و ناچار همسان

در صمر ساسی این بوررواری و دمکراسی مسراده سکد سکد سکد، مسراره برای آرادینهای دمکراسک را فراموس مسناد.

برخورد اکریب طف حده دولیب ناررکان و همجس عبارصا بسن حمیی و سرعممداری آئسهی تمام ساسی اسار ماهیوی، بدیدن سرعممداری و بدیدن حمیی، برحد رد بد بوررواری و بدیدن نفس وانعیس حرده بوررواری سسی و اس کواهاست که همه و همه ساسکر سر در کمی ها و اعسای تگری اس لطفاست.

به موضکری اس طفدر ساره اسجابات و برادینهای سارا برور و بلبت درت خاکم نکاد کسبم. سراب "دمکراسی" و "زادینکالسم" حرده بوررواری، آئحان حرا به برحوت مسکساد که سنها تکی ار ساجن سلب اعمااد بوده هسا ار "نماهسکاس" مسود و هماکوبه که بارها کسبم، رجمکسان و بوده های سمده سؤدم را ار حب با امد کرده و آسان را بدینال حرده بوررواری روانه مسارد.

سعارت دیگر با هسکاسکه حب، به حای سامان دادن به صف مستقل خود و سبط همکاری های عملی مسان سارماهای حابح برماهای کسد جمع بندی نکات مسرک آسان باسد، به حلب حماسا سارماهای غسبر رولنری مسکوند، هوبت خود را فراموس کرده اس و مستقل سبب. سابعی اسار مابورهای حرده بوررواری، دسالدرو حوادسی اسکه در وقوع و آفریس آنها سهی بداسه اس و ار اسرو مسطر اس و مسطر مسناد که حرده بوررواری بیافریند و او بد بعد سشید.

بهر رو با زمانیکه حب، مسکوند که جایگاه واقعی اس را تسخیرنماد و با زمانیکه هوبت مستقل خود را سنوان یک آلترناتیو متخمس اجتماعی عرصه و معرفی نماسد، دساله روی حرده بوررواری خواهد ماید و راه کریزی جز در غلطیدن کامل به دامن وی ندارد. ■



ارس برادر ماس؟

کپوارهی سارراب عمدتا دمکراسک و همجس حدر سراطی دیگر حوس هسگاه سواسه اس موقعب وانعیس حوس را درک نماد، مابره برای آرادینهای دموکراسک را تک ماباره ی "بورروائی" بفسر مسناد و برمام سبروهائی که مابره برای آرادینهای دمکراسک را خدا ار ماباره ی طبعا سبمادس انگلسرال مبرد و بر آن مسود که در ماباره ی طبعا ساسی برای مبارزه برای آرادینهای دمکراسک وجود ندارد و سبحا برای حالسی نبودن عربضه، سوبد دمکراسی وانعیس بعد از بس رفتن طبقات مدهد.

جرا؟ زیرا که اسار حسده بورروازی، بوررواری با مطسلاح "لسرال" و "دمکراس" را به بسب میز محاکمه کساده، و آن بفسر از جبکه هوبت مستقل حوس را حفسط نتموده اس، ناچار و بعلت آنکه

حواسه های اساس ماباره ی اوراسکلی مدهد که حجاج حده بوررواری با همان درحد ار حدا و سد آهارا طرح مسکد.

وفی مسسبم که ساری اسبروهی طف حب، بدرسی برای بعلت بوروامی آسبکان و دفاع ار آرادى مطبوعات با اسار اعلامیه و سربه و برسد راهبمانی و... باس عمل اعتراس مسکند ولی در همان زمان، بسا درست عکس العمل موری بسرای دفاع از سفسکران زندانی از خود ساس نمدهد، باید بدرفس که جب عکس العمل مناسب با فانوسمدی حوس را از خود برور مدهد. بس از آن که سمسائل و سسکلاب مرتطبا مابارگی کارکران و جسین کارگری بیابد سشد و سنوان آن ساندیند، در گیسر ساسلی اسکه سالها تجریه و میدان مابزه و کپوارهی رند او بوده اس.

# آزادی بیان

## در جمهوری اسلامی

نگاهی به گذشته

قبل از بعثت رسیدن رهبران جمهوری اسلامی، همگی دم از محرم شمردن حقوق اساسی پایمال شده در زمان طاغوت زدند. در اوائل بدست گرفتن قدرت نیز، رهبران جدید، بر محرم شمردن آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و... تاکید مینمودند. آیات الله خمینی در این زمینه مکتوب:

"آزادی بیان هست، هر کس هر چه بخواهد بگوید، اسلام از اول قدرت داشته است و بر رد همدی حرفها و بر رد همدی اکاذیب، این قدرت باقی است ما برهان داریم ما از کفار مردم نمیرسیم هر کس هر چه دارد بگوید..." (ار سحرانی روز جمعه ۵۷/۱۲/۱۸)

اما هر چه بر عمر جمهوری اسلامی افزوده شود، همان نسبت وعده و وعیدهای قبل از بدست گرفتن قدرت

بقیه انتخابات

متاسفانه اما بنظر میرسد که وسعت ترین سازمان چپ سازمان چریکهای فدائی خلق، به تلاشهای انحرافی خود برای تحت سلطه در آوردن سایر سازمانهای چپ با حذف تمام ادامه میدهد. این سازمان که در احصا رکزی و سلطه طلبی کار را به نهایت های خود رسانده است از هر تا کنونی که وشوه غیر کمونیستی برای بهیج شمردن سازمانهای چپ کوتاهی نمیکند و در این صورت است که با استفاده از نیروی هواداران خود، خود را یک تاز میدان کند و کل جنبش چپ را کام به کام بسوی مواضع حزب توده بکشد. رهبران این سازمان قطعاً از اینکه بجای اتحاد با سایر سازمانهای چپ را با ارکان دیدهای مجاهدین دفاع میکنند لبخند بر ما می آید. میری بلت دارند و باس هوش سرشار خود آفرین میگویند. لحد در ما یک آرزوهای جواب خود را در ریشخند کمونیست های اصولی دارد ولی متاسفانه نه آن لیخندونه این ریشخند مانع از سقوط جنبش چپ نیست. سازمان چریکها بخود و به جنبش چپ سادی که در توان دارد ضربه میزند. با حرکت بسوی حزب توده و مواضع آن خود را بمثابة یک سازمان اصیل نابود میکند و با روس متفرعانه و خود پستدانه جنبش چپ را از امکان کسب دستاورد در مقابل رژیم محروم میسازد.

بهر حال واقعاً چنین است و درست بهمین دلیل وظیفه سایر کمونیستها در توسل به یک مشی اصولی و پیگیر و جنسندان میشود. نیروهای چپ وظیفه دارند که تا عمل متحد خود تا حد

اعلام کرده بودم و روسای آنها را به جزای خودشان رسانده بودم و جویهای دار را در مداخلهای بزرگ بر با کرده بودم و معسین و فاسدین را درو کرده بودم، این زحمنها بیتنمآ مد... دادسته انقلاب موظف است تمام ملاحسی را که بر ضد مسر ملت است و توطئه گر است توقیف کند و نویسندگان آنان را دعوت کند به دادگاه و محاکمه کند." (همانطور که همگان اطلاع دارند مقصود آقای خمینی از "مجلات فاسد" و "مطبوعات فاسد" از جمله ملاحس و مطبوعات مترقی و انقلابی میباشد). پس این فرمان "دادستان انقلاب" دستور نوسف ۴۱ روزنامه و مجله را صادر میکند. و در بی آن در نقاط مختلف ایران حسن کتاب سوزان بسراه می اندازد. و منطق خود را این چنین عرضه مینماید.

مقدور است عمل سازمان چریکها را احرا ن کند. اتحاد ایسی سازمانها در عمل انتخاباتی مساود مقدمه مناسبی باشد برای همکاری روز افزون آنها و جلوگیری از ورود ضربه به کل جنبش چپ در اثر راست روی فدائیان. کسی بجز میلیتاریستهای تمام عیار تا ابدالدهر مجذوب بقیه رزمده سازمان چریکهای فدائی خلق نخواهد ماند و "پستوانه" گذشته را روزیامت کوله بار را رتزاز کسی نخواهد بود. سازمان چریکهای فدائی خلق اگر مایل است میتواند از حزب سوده هم راست تر شود ولی همین سازمان باید مطمئن باشد که دیگر کمونیستها نمرده اند و نیاز واقعیات به وجود حرکت اصلاحی، جای این سازمان را زودتر از آنچه که رهبران تصور میکنند بخواهد کرد. "رفیق نورالدین" مینواید در رسهای زسادی در این زمینه دهد.

مادر این کارزار انتخاباتی همه تلاش خود را برای وحدت عمل با سایر نیروهای چپ بکار خواهیم برد و اطمینان داریم که در صورت وجود آمدن این وحدت عمل، نتایج انتخابات مساود راه های نویسی را در مقابل جنبش چپ بگناید.

در افتاء ماهیت رژیم متحد شویم در اتحاد عمل نیروهای چپ پیگیر باشیم

سازمان وحدت کمونیستی



# افشاگری

## و جنبه‌هایی از بحران سیاسی حاکم

"دفاعیات" بازرگان و امیرانتظام سند ورشکستگی بورژوازی ایران

سهراب عباسی

سال‌های فترت مبارزاتی امیرانتظام اساره‌گرفته و میوبند؛  
 بهمت مقاومت ملی ایران بوسله  
 دوبراراعضای خودآفای امر -  
 استقام و مرحوم رحیم عظامانی  
 بانک جوان دانشجوی امریکائی  
 (!!) رباط منظم داس که به  
 بررسی و بحث بروی مسائل سیاسی  
 میپرداخت و هرکدام از موضع خود  
 دفاع میمودند. هر قدر مسائل و مسائل  
 نظریات صیرفت جوان امریکائیی  
 نفاهم و تعطیل بیسررسید به  
 حقوق باقیمال شده مردم ایران  
 بدام میگرد (!!) و در پایان "ما مور"  
 خودبیرکتائی بنام "تایوان لرم"  
 در ایران "تالیف نمود که بغارسی  
 ترجمه شده است."  
 ناکهفته نماند که اس دانشجوی جوان  
 آمریکائی و نویسنده کتاب تایوان لیم  
 در ایران کمی جر آفای رخارد کاسم  
 جاسوسی که تخصص در امور ایران است  
 بعبارت روستر آفای امیرانتظام به  
 نمایندگی ارجانب خراسانی بهمت مقاومت  
 ملی پیش اریست سال بطور مداوم با  
 سازمان جاسوسی آمریکا سازارطریقی  
 نماینده امرنمان مستقیم و منظم داسه  
 است. این نماینده در ماههای فیصل از  
 فنام و بخصوص بعد از آن سندی شده وهم  
 بازرگان وهم امیرانتظام در نامه‌های  
 خودمان واقعاً اساره کرده‌اند. اما  
 آنچه بیش از هر چیز در این نامه‌ها جلب  
 توجه میکند، بعدوسع این نماینده  
 و اثرادوسحضمت‌های ظرف مذاکره شده  
 است. تقریباً "نمام کسانیکه امروز  
 مصمی رادردستگاه حکومتی تحت عناوین  
 کویاکون شورای انقلاب ودولت استعمال  
 کرده اند و با خود مستقیماً" با سازمان  
 داشته اند و با از این نماینده مطلع بوده  
 و موافقت خود را با آن اعلام کرده بودند.

مسئله‌ای است که امتدادکمان  
 بدناحق افسانه شده‌اند. بهمچوجه، مثلاً  
 این است که آبا فقط اس بحران رخساج  
 حاکم که ساکنون افسانه اندچسسی  
 روابط کمزنده‌ای با امیرالاسم داسه  
 اند. با تمام کسانی که در قدرت بهیم  
 اند. آبا فقط بازرگان و امیرانتظام  
 با جاسوسان سنا مذاکره داسه‌اند!  
 آفانان دیکری مانده‌بهنسی. با هر -  
 رفسحائی - سنی‌مدر - یزدی - قطب راده  
 و سار دیکر در اس امرنهم بودا‌اند.  
 نکاهی به دفاعیه‌های "امیرانتظام و  
 بازرگان که در روزنامه‌های عمر ۱۸ بهمن  
 ماه منتشر می‌شود می‌نواشد اس واقعینهارا  
 روشن تر سار دهد: امیرانتظام طسی  
 با مه معطلی که برای دفاع از خود به کار  
 در آورده در ابیدایه‌سوان "بازرگانی  
 ان" اناره کرده و سپس به شرح تاسهای خود  
 با ما مورین آمریکا میگردازد. این  
 نماینده در سالهای بعد از کودتای آغسار  
 می‌شود و در زمان سفر آژنتهاور سه ایران  
 او ما مور می‌شود  
 نامدای ارجانب بهمت مقاومت به  
 جاسوسان بدهد. رباط رساندن نامه  
 فردی بنام رخارد کاسم بوده است  
 رخارد کاسم از او تقاضای وقت سبرای  
 ملاقات و مذاکره می‌کند و او بهمت مقاومت  
 اس تقاضا را می‌پذیرد. لازم است  
 بدانیم که رخارد کاسم کی از  
 جاسوسان برجسته سنا بوده‌است. آفای  
 امیرانتظام در دفاعیه خود سسرخ  
 "بازرگانی" از این تاریخ تا اوائل  
 دسامبر ۱۳۵۷ را از قلم اندا خود آفای  
 دوباره از جاتی آغار می‌کند که آفای  
 کاسم بعد از رفتن به پاریس و دیدار سنا  
 آفای بهمتی به ایران می‌آید و  
 مذاکراتی را با همپالکی‌های آفای  
 امیرانتظام انجام مدهد. آفای  
 بازرگان در نامه دفاعیه اس اما با سس

در روز ۱۰ . لانه جاسوسی آمریکا  
 در سهران . سدهای از دانشجویانی  
 که خود را "دانشجویان بی‌روح امام"  
 می‌نامند. اشغال شد. اشغال لانه  
 جاسوسی آمریکا در سهران از همان ابتدا  
 با ااروسی‌ها و ابها ماریادی همراه  
 بود. نحوه انجام اس عمل، رباطه  
 آن با مشکلات سیاسی رژیم، چگونگی  
 سرچورد اشغال کنندگان با دولت و سب  
 همه و همه‌های تک و تردیدهای بسیاری  
 رادرمداست آن برای دامن زدن بدک  
 مبارزه دما میرالسنسی واقعی سنا از  
 می‌کند است. اکنون بعد از بدک سه چهار  
 ماه که از اس اقدام می‌کند رویانکاهی  
 به آنکه که ساکنون کد سنا است منسوان  
 دستبر داده‌اند از احرا کنندگان اس  
 بر ما مونس و واقعی آن بی سرت.

\*\*\*\*\*

اشغال لانه جاسوسی، به سرعت موجی  
 از حرکت دما میرالسنسی رادرحا معسه  
 ایجاد نمود. سده‌های مردم در سرتاسر  
 کشور را رهیمانی‌ها و اعلام بسیجی‌سی  
 خود را اس اقدام، خواست خود را برای  
 قطع کامل نفوذ امیرالاسم در ایران  
 و آمادگی خود را برای مقابله با امر -  
 بالاسم اعلام می‌کردند. اما اس اعلام  
 بسیجی‌های ما که در زمینه تعمیق مبارزه  
 دما میرالسنسی سنا آوردی تر سسده،  
 ولی در قدرت بخسیدن به "دانشجویان بی‌رو  
 حظ امام" و سندی آن نه کی از مراکز  
 قدرت در رژیم کنونی بسیار کار سار بود.  
 بروی با حمایت سرجی از بدکنان  
 آفای حصنی اس دانشجویان به سمشیر  
 دما مکلسی سرفری سرتنام کسانی سندی  
 سندی که به نحوی از اجاب آفانان با حجاج  
 حاکم قدرت بدیک جوی نمیرفت.

\*\*\*\*\*

آنجده که اما ناس نما سها و مدا کرات  
اهمیت متحد . نه جود سما س و مدا کره  
بلکه موقع سما س کیریدگان بوده است .  
باررگان و امیرانظام ظاهرا "تبدال"  
میکنند که بخارجلو کتری از خو برتری  
بیسرو غیر صالمت آمریزر زسم  
اندام ناس مدا کرات کرده اند . اما  
آنا و انعت هم نه همن سادگی بوده  
است . باررگان دردنا عبداس اریکی ار  
اعلاندهای بهمت آرادای مورخ ۱۲ آسان  
۱۳۵۷ یعنی سه ماه قبل ارنام ۲۲ بهمن ماه  
ویک روز رس ارکسار و حیا نه دهها نفر در  
داستانه بهران بوسط مزدوران ارس  
عداری نقل میکنند که نسی اهر سید  
دیگری کونای عمیق نسی ارسا عسی  
و واسداس حصرات و کوستهای مدسوحانه  
آنها برای حفظ حاکمیت امیرالسلزم  
در ایران است :

" دولتهای خارجی ، سوره دولتهای  
که نه داعت نسات واسبت حیا لی  
ایران در سحر رسم ساه ارا و حمت  
میکنند ارام است عمق اسوا صعت  
وصافی بودن نفا ساه ارا ساسات  
ونظم و نفا ی مملکت درک کرده  
سند آجه در داخل ایران میگذر  
وا صعیب و عاقبت اندس بوده  
نه مفاصد مسروع خود ساندیسند  
و اراس بی سها به سورانا هنتنی  
که مورد اعتماد ملت ایران و رهبری  
روحانی و ساسی آن ساند مرا حعه  
نموده خود را با آن تطبیق دهسد :

آنا همن نعل نول کوناه کویا نیت ؟  
آنا چراغ سیزهای آنا یان نه آمریک  
صرفا سنانگر وجود حریا سهای اجماعی  
است که مفا ع طبقا سنان حکم مننماید  
که با آمریکا این " سلطان سزرگ " روابط  
شغالل باررگانی " داشته باشند یا سنی  
ار آ نسان دهنده وجود " روابط دوسانه "  
و حتی نخواست ساسی سری است .

کفتم ک نهضت آرادای ووا سنان سایی  
در اراس موقع تنها نبوده اند ، تقریبا  
کلیه کسانیکه امروز در اراس قدرت سراز  
گرفته اند و کسانیکه هنگام صحبت ارامر  
بالسم روی سرن کرده و حنک و دنان  
نشان میدهند ، کسانیکه جان از مزاره  
فدا امیرالسلتی سخ میگویند ، نوگوئی  
از سالها بسن یرجم دار آن بوده اند همه ،

نمام کوس و مزاره اسان در جنس  
راسا شی بوده و صد جسد دار کیریدن صاع  
سبکانه در مهن ما را داسنداد .  
نفل حمله ای از آت اله حصنی در  
مضاحبه با رادوسر سری آمریکا مند  
کویا هی نعل ارنام نه نعل ارنام  
باررگان به رورنا مدها مضور را سهر  
سان می کند :

یک دولت اسلامی و ملی سدد صنی  
ذاتی نا خارجی ها دار د و بهر واسط  
دوستانه مفایل و باررگانی  
ومفا ع حقه کسی را بریا خواهد  
کدانت

روزنامه آمریکائی واسکنتن سنا احرا  
طی مقاله ای به مناسبت اسنا راطراب  
شاه مطوع نسی آمریکا در حواله ساسی  
ایران در نعل ارنام بهمن ماه را سرت  
کرده است . اس برسی نشان مدهسد  
برنامدریزان واسکندن نعل ارسروری  
صام و درا و ح مباررات بوده های مردم ،  
برای نجات آنجه که سهورا میدی نجات  
آن وجود داشته نلا سهای وسیعی را آعار  
کرده بودند .

براساس اس برسی واسکن سنا ارامه  
مه ۱۹۷۸ سفروفت آمریکا در ایران  
که حریا س کراسنها شی را صلا " دروسنا م  
کست کرده بود ساس با ندار مان دن رسم  
ساه را کمراز ۵۰٪ اریایی میکنسد .  
با نوحه نه همن اریایی ، دولت آمریکا  
عده ای از دلالات خود را ما ، مور میکنند که  
با آت اله حصینی که در اریس سرمسرد ،  
نما س سکرند . از حمله اس افراد سردی  
سما رمزی کلارک ، وزرداد کسنتری  
آمریکا در زمان کندی بوده است .  
رمزی کلارک حامل نامه ای کارتر برای ام  
و کسیکه بعد از " اسفال " سفارت خواهان  
وسا حت حول آزادی کروگانها س بود .

علت اسنا حات آت اله حصینی برای تماس  
این بوده که دولت آمریکا معتقد بود  
وی جانسیں احتمالی ساه خواهد بود .

درا و ا حرسال ۱۹۷۸ جرح سسال ،  
معاون سابق وزارت آمریکا ما مسور  
مینود ساسات آمریکا در حلیج فارس را  
بررسی سنا بد . بال با س جمع بندی  
میرسد که رژیم شاه و نظامیاس در ایران  
دیگر فا در به حکومت سسند . بال به  
دولت آمریکا توصیه می کند ساه را واداره  
استعفا کرده و یک دولت ائتلافی متشکل

ار " مخالفین سنا دروی ساه " سکنیل  
دهسد . حامل اس نام برای " مخالفین  
رسم ساه در ایران " سزال هوسرر  
بود . سزال هوسرر موقی میسود ملاقات  
سین فرمائی فرماده سنا دار سس در  
آخری روزهای حکومت ساه ساه سس  
باررگان یکی ار رهبران مخالفت ارسظر  
آمریکا سسبدهد . و اس محصری است  
ار آنجه آمریکا سنان خود ندان معسرمد .  
ساس سرنس . با کس

خواهیم مجموعه فعالیتهای ساسی  
امیرالسلیم از یکسو و مخالفین ساه  
السلیم شروع باررگان و امیرانظام  
آرا ، سوسرکمیم ساس سناحه سرسوم  
که اریک سوا آمریکا در نلا س بوده سراز  
حفظ مفا ع خود در ایران حی الامکان  
حاجی را در ایران سنا در سرت کوسی  
رسم ساه سرتکار آورد که سد نول آسای  
باررگان " سرازه مورار هم سسبده  
و حریا سات در سب و منظم سس رود .

رهبران هم ارسوی دیگر سعی داسسند ،  
سسرین خدمت را از آزای نوس  
قدرت ارجا سات آمریکا به آنها در جهت  
ادامه جیا ول وی در ایران انجام دهد .  
سما سهای سنا سندان امیرالسلیم  
بارهبران خود کما رده انجام میکنسد  
ونول و فرارها کداسه مسود . آمریکا  
قول سنا در رسم حد در ا میدهد و رژیم  
حدید سرت نول دفاع از مفا ع آمریکا را .  
هر دو سرت سرت از سرتوری " سدست آمده  
سبظر فرصت برای احرا ی سنا مدهای  
خود می سسبند . اما سس بار سنا سسد  
کدند و ما سنا ده سینه یک عامل را ، سک  
عامل مهم و نعیس کتنده را در محاسبات  
خود در نظر نمیگیرند . عامل بوده ساه را .  
سما ۲۱ بهمن ماه نه همت هم سس  
نوده ها و سرحلاف قول و فرارهای " رهبران "  
بوضوع میسوتند . سرحلاف اسنظار  
آسای باررگان ، سرازه مورار هم  
میباشند و کسرتل اوضاع از سدست آنها  
خارج مسود . ارنش ساه ، ارنشی که  
باند حفظ و نکه داری میسند تا در فر صتی  
دیگر سسناوند ناچی غارتگران و جیا ول  
کران باشد ، در کمتر از چند ساعت ، سدست  
مردم از پای در مآ بد و مردم خود کسنرل  
ا مورب سدست میگیرند .

اما سس طعا مورد قبول رهبران  
سست . نمام ارگانهای حکومتی

و سلیمانی نکارمانند و از تمام امکانات، ارسید و اوقات گرفته تا تکلیف سعی نکار گرفته مسوود با سئل خروبان مبارزه مردم نه مسرعیین شده بر کرد انده سود و بر کرد انده مسود.

هور. سا کدسی یکال ارنیام، حی یک فرار داد اهراران فرار داد. محرمانه ایران با کوره های مختلف امربالسی افسانده است. هور اکبریت فریب با نقای همین فرار داد. هاملعی نکردنده است. اما بر عکس بارار ادعا های بوج و بحالی، بود و سر. های بی محتوا و بی مانه، سفارهای دهی. برکی بر غله امربالسم، رواج کامل دارد. ارمان اشغال لانه حا سوسی. بت مبارزه صدامربالسی هنت حاکم، همان هنت حاکمه ای که شرح نما سهای آن با ما ندگان امربالسم صلا آمد، جان بد مسود که حدی در آن محور است.

بوده و با آرآن اطلاع داسه و بواسی داسه اند، ارسوی ذاسجوبان سر و حظ اما م نظیر شده و روربا مدارکان جزستان "تکریری سن امربالسم آمریکا فلمداد مسود". اران به بعد دیگر سیه ای در آنحه که ما مدسی نسل و در هغه های اول اشغال لانه حا سوسی ارار کرده بودیم باقی نمماند که مسمسک اما کری در حقیقت، فقط سوحیی برای ارمدان بدر کردن رسا بوده است.

کار با آنجا میرسد که آقای سبسی برای سسی دهی " سا بعد ترا کسان" خود طی بحرایی هائی که سن آنها در روربا مدجمهوری اسلامی جاب شده از روابط کسبرده ای با آمریکا برده سر. مدارد و احتمالاً فقط حرکوجکی ارمام آحررا که انجام داده بر ملا سکند، با اس وجود، داسجوبان اندا سس مسائل سوحیی نمکنید. آنها برای انجام وظیفه جانی در نظر گرفته شده اند

نصه را اراندا حلی حدی محور کرده بودند، اکنون اس واقعیت سحررا بندرید و بر آن سغه همچان ما بند کد سغه اغلامیه صادر کند و اسطر اظا عسار مردم راداسه ساند. ولی اس نلا سها سغری در اس واقعیت نخواهد داد که عمر آنها به با ن رسده است.

سنگ دبری نخواهد کدست که سغه ده سجوبان هم به سر کلاسها بر کسند و به فرا کرس علوم امربالسی سغول سود و بر لبار " بی بدر و مادر سبود سناس " کنه و سکا بت کنند و ن اینکه آ آر آن نکان جورده و در سوجه جالول امربالسی در ایران نسل ار اشغال لانه حا سوسی و بعد آر آن تفاوت حدی سسی حاصل شده باند.



اشغال سفارت آمریکا ویی آمده ای آن سان داد که کامپانی که ارجحاع

**تقریباً تمام کسانی که امروز منصبی را در دستگاه حکومتی تحت عناوین گوناگون شورای انقلاب و دولت اشغال کرده اند یا خود مستقیماً با سیاستمداران یا از این سیاستمداران مطلع بوده و موافقت خود را با آن اعلام کرده بودند**

با اشغال لانه حا سوسی و سطر داسجوبان، بارار اما کری هم رواج میکرد. بعد از اشغال حدی حا سوسی آمریکائی، سغوبان فتح البان فاسل بوجه و طبیعی اصدمات بعدی، ظاهررا بوسه اشالی بوکران اراسی امربالسم میرسد. روابط امربالسم و مناسی به همراه حران بهضت آزادی با سجوبان امربالسم افسا مسود. عده ریادی، که در میان آنان حران حدی و اشغالی هم کم نیستند، جسم سه محمد تلویزیون دوجه ویی صران سه اشالی با سغوبان امربالسم را انتظار میکنند.

اما سرحلات انتظار این مشتاقان، ساکنان ورق بر مسکرده. حزب حاکم که سرمداران آن بر اسن اطه سارات باررکان و امربالسم یا خود مستقیماً در حران روابط بنهایی با امربالسم

وظایحی سخطی آر ارا عم ندارند. سادهم سبسی دلیل سا کون، بر دسک سجاه فرار داسجوبان اشغال کننده که احتمالاً کمی تصور رو کتجکا و سرار دیگران بوده اند، ار محل سفید ساربت اراج شده و جای آنها را همس بعدداد بآ سار انقلاب اسلامی" گرفته است. اس عده بعد از اراج ار لانه حا سوسی به کار سابق خود در سن جوان دو ساره مسول شده اند.

ولی اکنون به نظر میرسد که تفکر اس هم به سه دیک جورده و دس آنها روده باشد. محبوبیت و سبسی داسجوبان خط امام دوباره سیر زولی پیموده و دیگر کسی خط آنها را میخواند و ظیفه ای را که رهبران به عهده آنها گذاشته بودند بدیایان رسیده و سه هدفی که سبسیت میکرده اند رسیده اند.

طبیعی است که داسجوبان که

برای بحمیق بوده ها و " حل " موفسی سجاهای خود بر مدارد میواند سه صد خود تبدیل شده و سه عاملی جهت سعمیق و سداوم ساررهی اصیل انقلابی تبدیل کرده. باید کوسید با ط سرح شعارها و حواسهای عمفا سمد امربالسی و مد سرمایه داری، از جو مناسب ایجاد شده در جامعه مسود پسرد مباررات زحمکان استفساده نمود.

حوادث آئیده بدون شک نشان خواهد داد که این آقایان و ارباب نشان این بار هم کور خوانده اند.



# اسطوره‌های حقارت

## مروری بر چهره‌های سرشناس «انقلاب»

شخصیت‌های "انقلاب اسلامی" به بهترین وجهی بیانگر "هویت واقعی" هیئت حاکمه ایران هستند

ار: ۵۰۰.ن.جعی

غلبه همه‌ی مظاهر ارجاعی انکارناپذیر است. مگر نه این مرد کوچک - مسو لو بریدنی‌سی صدر - در بست عصمت‌نورای انقلاب، وزارت امور خارجه و وزارت دارائی، تمام حقوق حقه‌ی ایران را اسبقاً نمود و باطلی نکردن صنایع وابسته، کمک برکی به مسدود نمودن دخاثر ارری ایران نمود! مگر نه او بود که با تدوین سند سیاست‌سازی صد امپریالیستی بارده میلیارد دلار به دولت موقت انقلاب ضرر زد و مگر بالاخره اس بلسد نامت‌ترین مرد کوچک اس آب و خاک، فرزند برومند انقلاب و مخصص مبارزه با رژیم، لوسس بر آوازه صادی نظر داده نبود که شاه را در پاناما یارداست نمود و در کنفرانس اسلامی با کسان برکت کرد و تمامی نوظلته‌های امپریالیسم را در سلفه حقه نمود. اری مردان کوچک ما - همسگه و همواره - غلبه امپریالیسم مبارزه کرده و میکنند و در این امر از کوچکترین عداکاری انا مدارسد. مردان کوچک ما مردان عمل هستند و نه حرف و اگر اینجا و آنجا ادعائی سود صرفا برای راهنمایی و حرف‌حس است و بس.

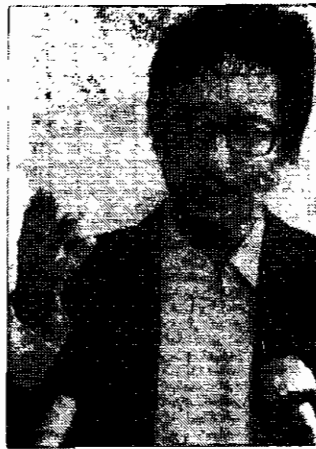
\* \* \*

اما مبارز بودن تنها حصصدی مردان کوچک ما نیست، نفوا و سرف سیرار حمله خصائل بر حصدی همه‌ی آنان است. مردان کوچک آنقدر سا نفوا و با سرف هستند که نه سها بدکران بلکه خود نیز خیانتت میکنند! اساسا اصالت انسانی در چهره‌های بی نور همه‌ی آنان مدر حصد! مردان کوچک - که بلا اسما، با نفوا هستند - همیشه بخود مکی هستند! و تنها با ایکا به

باورمان نمیتکنید سمانتان خود داد. "جنک غلبه مسکنیرین جهانی" "مبارزه غلبه ایرقدرنهای بزرگ" "زناندر آوردن امپریالیسم" "انریاسونالسم اسلامی" همه ارحمله ادعاهای ایرمردان کوچک این مملکت است. کاسبرور نامه‌های نکمال‌کننده را ورق زدنا موصوح به نکست‌بهای امپریالیسم بی برد!! کاسبسه کارنامه ایرمردان کوچک انقلاب برک ایران نگاه کندنا ببینید که چگونه هریک محدانه ودر تمامسی صبهه‌ها غلبه همه امپریالیست‌ها مبارزه میکنند! مگر نه آنکه بکی از همین مردان کوچک - مستر بزدی - در دوران تصدی بست وزارت خارجه، حقوق ایران را در تمام صحنه‌های بیسن - المللی احقاق نمود و مگر نه آنکه در ۱۹۵۰ قرارداد ایران و آمریکا را یکی پس از دیگری بدون هیچ درنگی لغو و افسان نمود!! و آمریکا و شخص شجسس برژیسکی این دشمن خونخوار سرسد، را یکبار در وانستگن و بالاخره در الحرابیر زانودر آورد! آنان همه مدارک مستدل ارمبارزه غلبه ایرقدرنهای کرفسسه نا ساکازی وزارت امور خارجه از نامسی جاسوار و اواکها، کاسی بسد که همه اتهامات و اوهامات را در مورد بزرگی اس مردک ار حاطره‌ها بزادند و ساردهد که ساسرده سارزی پیکیر غلبه امپریالیسم و ارجاع است!! اما "مستر داکتر بزدی"، تنها مرد کوچکی بود که از این جدال بزرگ پیروز - مند" و سرفراز... در آمد. دوسان دروز و دشمنان امروز، یعنی بنی صدر عالم و فطبر زاده‌ی فاطسع نیز از حمله جهره‌های درختانسی میباشند که نقش بر حصه‌شان در مبارز

یک سال از انقلاب کدست، و نکمال است که بحای ارادل و اواسی درباری، جمعی دیگر از مردان کوچک برابن دیار و نلب و عقل بسیاری از مردمان حکومت میکنند، مردانی کوچک از کوه و سبار همه مردان کوچک دنیا - هر چند در فامت های مختلف و هیبت‌های مختلف - در عرصه‌ی انقلابی بزرگ به کامروائی مسولند. مردانی که نه نوده اسوه وسیع مردم و نه اسطوره مذهب متوانسد کوچکیان را بیوشاند، مردان کوچکی که در یازودیدنیال دیگر مردان کوچک تاریخ - اگر بسنود براسی برابن مضحکه نام تاریخ نهاد - بدنیال حاج مسرا آفاسی‌ها و کورم سره‌انها و ملحق‌ها و هویدها روان خواهد سد! کوچک مردانی که بی هیچ کم و ریباد، سفق شخصیت واقعی طیفه حوس را سمنمه ظهور میکند! سرداران بی سال و کویالی که همچون همه سرداران حک نکرده اما سرور سده، سمدعا، عالم باسحوی، آزادمنش، مبارز، انقلابی... هستند!! اشخاصی که همیشه محققند، از همه امور مطلعند، در باره همه مسائل دیبوی و اخروی تحقیق کرده‌اند، همواره انقلابی‌اند، کاسیست در چهره‌ها، کردار و کفکار یکایک این مردان کوچک مملکتی دفت‌کنند تا به عمق فاجعه‌ی بربید!! ادعا مهمترین خصیصه مشترک همه مردان کوچک است، همه اینان بدون هیچ استثنائی بدنیال احام یک مهم تاریخی‌اند، همه در طول زندگیشان کار بزرگ احام داده، مدهند و خواهند داد!! اسان اساسا "ارسرست و بیزه‌اند، واز سک مادر برای احام رسالنهای تاریخی زانیده شده‌اند، اسان اساسا جوهر تاریخ، ودر بعضی موارد خود تاریخند!!

# جل الخالق



برقرار کند. در مجموع ۲۲ احتمال بود که هر کدام از این ۲۲ احتمال مساوی با بند ترکیبی دهد و نوعی از ازدواجها را بوجود بیاورد که مجموع آنها سه حساب ریاضی ۱۰ بنام ریاضی مسعود است. از آنجا که حساب ریاضی مسعود در باره "رن و روابط اجتماعی" در هفتمی همسگی دانش آموزان در دبستان البرز - کنگان

(۵۷/۱۲/۲۶)

نصره، (برای کسانی که ریاضیات آنها ضعیف است):

اگر جمعیت کبونی دنیا را ۴ میلیارد فرض کنیم بحساب ریاضی کل جمعیت دنیا مساوی با ۴ ضربدر ۱۰ بقوهی ۹ میشود. در اینجا اگر تعداد ازدواج در دنیا مساوی با ۲ ضربدر ۱۰ بقوهی ۹ میشود. و با احتیاط این رقم با رقم ذکر شده از طرف آقای بی بی صدر مساوی ۱۰ بقوهی ۲۶ تقسیم بر ۲ میگردد. پس از بررسی زیاد باین نتیجه رسیدیم که با عدد منظور آقای بی بی صدر انواع ازدواجها در تاریخ بر میآید، با بی نتیجه بود، زیرا اگر تاریخ بشر را از یک میلیون سال پیش در نظر بگیریم و کل جمعیت در طول این مدت را بطور متوسط یک میلیارد فرض کنیم و همچنین فرض کنیم که نوزادان از همان بدو تولد با یکدیگر ازدواج نمایند، انواع ازدواجها بحساب ریاضی مساوی با ۱۰ بقوهی ۱۵ تقسیم بر ۲ میباشد که اگر این رقم را با رقم انواع ازدواجها در حال حاضر جمع نمائیم مساوی با  $5 \times 10^{14} + 2 \times 10^9$  میگردد که با تفاوتی در رقم با رقم ادعائی آقای بی بی صدر یک عدد نجومی است. پس از مدتی فکر و محاسبه با این نتیجه رسیدیم که: با آقای بی بی صدر حساب سران نمیشود و با اینکه میدانید ازدواج چیست !!!

آقای بی بی صدر، این سلسله رمان، در مورد مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی "نظرات" است. دارد، که آگاهی از این "نظرات" بر همدی هموطنان "واحد" میباشد. از آن جمله است "نظر" ایشان در مورد ازدواج و انواع آن که در رساله

"... اگر ببینید هاشمی که میآید رن و مرد برقرار میشود را بحث مطالعه فرار دهید. هم رانظری این پیوندها یکی یکی از چهار وجه با هر چهار وجه است. مثلا دختری که سوختی از خانوادهی ثروتمند می پذیرد حبهی تروت بر اسباب او علیه دارد. همین خور در زمینه های دیگر مثل موقعیت فرهنگی یا سیاسی که باعث انتخاب همسر برای زن و مرد میشود... پس باید بگوئیم ازدواجهای کمی بوده که در آنها عقیده اصل انتخاب بوده، یعنی فکر و سلیقه یکی بوده و علاوه بر آنها بوجود آمده است. در بندهی ازدواجها حواسط همان صایبه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی یا علمی بودن است. در ازدواجهایی که تقسیم اکثر هر کدام از آنها با حد چهارم است دیگر، با اصطلاح کاسون احتمال

سرور انسان و مبارزه است که سلسله ای برقی را یکی پس از دیگری میسازند؛ کدسه و حال مردان کوچک اطهر من الشمس بر از آن است که بتوان بر آن حربه گرفت؛ همکار با احباب در تماس بوده است. حتی یک لحظه بر با حاسوسان حرفهای حیر و سر نداده اند؛ نه بحال بسیاری حیف و میل نکرده اند از رسوخواری مسخره اند؛ و به هیچ حیر حر انبار در راه انقلاب و امت نمی انداختند؛ همگی مطهر هجرت و جهاد و اندیشه اند؛ فقط کافست لحظه ای به حیره هایمان حیره شوند با عمق سراف و نفوای آفتابان را دریا اند؛ بحسبت کمی دقت کنید، حتی از لایزال رس انبوهان هم مسوان برائشان از هر گونه دمه ای را دیدند؛ مردان کوچک همه مطهر نفوا و سرافند؛

مگر نه آنکه آقای ناررکان فرمودند مسر بزدی و امیر انظام با کبریا انسانهای کابیهی انقلاب هستند؛ و مگر نه که سر حوادت آب نظهر را برای خندمن بار بر سر آفتابان ریخت؛

آیا مسوان در مورد گذشته، حال و آینده مطهر سرف هیئت حاکمه ایتره، صادق نظر داده هیچگونه سک و سیه های روا داشتند؛ انسان با نژده سال در حظ امام فعالیت نمودند و حتی برای اسباب انبار اسلامی، داوطلبانه در سا بقود نمودند با این سازمان جهمی و محوف را اردرون متلاشی میساختند؛ آیا براسی مسوان مکرر نگاههای بر ار عطفوت نظر زاده شد، آیا مسوان لحظه ای دربارهی مبارزه شامل نمود، لحظه ای به وارهی سرف اندسند و عمق سرف را در فطرت را در شامند؛ نه حیرهی سرار اسدوه. حمران نگاه کند با اندوه حایبار سقوط بل الزمر و میل عام فار را بوضوح ببیند، با آگاه بود که چگونه دستار به هدایای حیدر میلیون سوماتی میرسد و...

اما این مسئله به دولستان و مکلایا خلاصه نمیکرد. معمن نتر که با بر حرفه مان رندکی شد و بر



از رحمتی را میگذرانند سر دست کمی از آنان ندارند!! لحنی حرکتی آن روحانی عباسی - آندالدیلمی را میگوینم - در نظر محکم کیندا معنی واقعی نتوا را در وجود این سار و نقوس معروف دریاسد!! مگر میتوان بدست سادخی و آنهم در عقوان جمهوری اسلامی، رحمت ساندروزی ابران را در راه بروح اسلام در هامسبورک، مفاعدگردن هوبر نه یک طرحورد "واقع بنانه" یا مسائل "تجاری" را در نظر گرفت!! و مگر....

اگر در فکر آید که مردان کوچک ما، از علم بهره ای ندارند، سخت در اساهند!! همه میدانم که نقوا و سزاند و ناطعب مبارزاتی کامی سسکه توان اما اسلامی را از حواب کران ۱۴۰۰ ساله بیدار نمود، علاوه بر آن فهم و درایت و علم سر مورد تار است، و بگر سزرک مردان کوچک این دین تمامی این حقایق را در

جهان و اسادمسلم منطبق آندالله منطقی که احما غات ساسی و نیوریکسان غرب و شرق را بطور یکسان در معرض نابودی قرار داده است که نکد ریم بوجود دی الوجود و سزمنت ملک المکلمن انقلاب اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای هادی عفاری که نه من فعالندی در نغان بحاسی برین سر لومس برولیا سزا را در "حرب الله" مشکل نموده اند، بر مخوریم!! آیا مسوان بر تمام این دستاوردها، آنهم در مدیسی کواه خط بطلان کسد!! آیا سزاسی ستوان خدمت مردان کوچک ما به علم و فرهنگ را فراموش نمود.

\* \* \*

اما حفا سسکه حفاض سسماز همدی این مردان کوچک را بیماریم و از یکی از مهمترین سخنان دانست یعنی بگرد آفان در مورد "ساست" سخن بگویم. دست آوردهای ساسی

میسورین دربارهی ساسدی ریاسست جمهوری ما اسخوان سیکوست جالب سست! مرد کوچک ما حتی از اعراب ناس امر که ریاسست جمهوری در اس دوردا سخواسی سس سست ولسی او از بد دندان کرفس آن سسند مسرد. انانی ندارد آری بازرکان عالیبرس نوع واقع سسی" از نوع دلخواه مردان کوچک را بد ساسس میگذارد! اما بازرکان سسها مظهر "ساست" در اس سر و نوم سست، دانسوان سزو حظ امام سسندر در لاندی ساسوی امریکا در نهران، سر حد رمای که رهبر و راهبر خلق الله بوده اند و چه زمانیکه ساند امورر کسی سزاسان بره جورد سبکسد و ریخامه سسوسسد، سر واقع سست "ساست" کوچک مردان را جلوه کسیر سسارند!! دانسوان کوچک ما، عدالروم حاجهای دیگر را اسما سسماسد؟ عدالروم سدی را کست

**از آن آهن فروش روزنامه نویس گرفته تا حاجی ماشاء اله قصاب از چریکهای توحیدی ناس گرفته تا انجمن توحیدی گودنشینان اسلامی، همه و همه واقعیت مردان کوچک انقلاب اسلامی را به نمایش میگذارند**

درون خوشی جمع نموده اند!! آفان نه سسها ساسه بلکه علم را دگرگون ساحسد و سزاسی که در علوم قدیمه و حدیده از جمله بارزترین نموده های حوس در جهان سسند!! کتیب دیفیمار بوصیح المسائل کرفسه نا حرسند المفسن، از حکومس اسلامی با "اصماد بوحیدی" همه و همه مظهر سروری علم بر جهل و حرافات سساسد. رئیس جمهوریمان بحمدالله کاشف ۱۰ بجه ۳۵ نوع اردواج است، و دیگری آقای حبیبی که افتخار بوکری فقه نصیبان بگردید ساهکارس نهیدی بس نویسن قابون اساسی است. مردان کوچک ما همگی مروح علمسد، از حلال الدس فارسی، افغانی که به حرث مسوان در زرفنای اندیشه است سکنمود، و از منحرفترین سخسور

مردان کوچک ما - حد سسرده و حد سسر حره سان - مهمبر از آن اسامی عمق عس و فراموشی از آن سخسی بکفت!!

اگر بخواهم سخمی را سسوان مظهر ذرای ساسی معرفی سمانم، ساند سح سح سخمی هماسد سسب وزیر در سسکار و محوسمان آقای مهدس مهدی بازرکان سسسد!!

سزاسی او به افلاطون، ماکیا و لسی و ملانصرالدین، آئن "رمانداری" درس میدهد. اسان سمل سعا عس، درانت، اسان.... سساسد. در عرض ساهسهای ما ساه کنار مآسد و در عصر ولایت فقه ما فقه!! آقای بازرکان آئیمه تمام سمای بورزواک سیدخبیبی فرهنگ و سنت ایسزاسی است، سح حبز سسر از کفسه

سسماسد و عدالروم حرب سزاکسیر را مورد حمله و ما مورد عتاب قرار میدهد!! سزاسی اگر سسه مرحمت سساست آفان سسود، مبارزهی صد امربالیبسی سسکاه اس حبس دست آوردهای کراسهانی را سسب سسآورد!! سسر حال آفان مظهر "ساست" در مبارزهی ساسی سسند!!

منتوان دربارهی سزاسد و کسسه و دیگر حفا سزاسدی مردان کوچک فلم فرسائی نمود، مسوان آزادمسی آانرا برح آزادمس برین افلاسیون جهان کسید و مسوان حدیب سسا و اسانهها از فعالیت های سساهدروزی سی جنم دانسنان سح کفت، منتوان حسان سح را به درازا کساید که همانند مسور سزاسی مفسر کوچک اطلاعات، سنی صدر را با امر کسیر

و محمدی مناسب نمود و میبوان ...

\* \* \*

آنحد را ما میبوان خاص بر حسب مردان کوچک سمرده نام صرفاً "کوبای حال رعمای قوم سبب ، بلکه انیس خصوصیات بحوی در مردان کوچک درجه ۲ و ۳ و ۴ ... بر دیده نمود . این فقط منظری در نیست که بلاء را با تمام بعد تاریخی این منصفی ظهور میکند دارد ، منظری بر سردست کمی اروا ندارد . بلاء بر فلسفی و بلاء بر فرد فلسفی و عملی است . بقا و بر سر سبزه حمران منحصر نمیکرد و او سر و حیرویی هر یک در عالم حوی بر می همساند ! بی جهت نیست که این رهبران انقلاب اسلامی ، این رزمندگان که جر در میدان آموری در جای دیگری دست نه اسلحه برده اند بر آنند که سان دهد که خلیل عفات و خلیل عفات بر خاص دوران ساد ببیند ، بلکه در عصر فها بر میدان داری میکند . فاطمیت انقلابی نیز صرفاً "معلق به نظر راده نیست ، بار و بار او ، زهرا حایم و همکار دیگر صادی حلحالی بر آر آن بی بهره نیستند علم و آگاهی نیز در دید مطلق بر ریدنت بی صدر نبوده بلکه احمد آقا و حوثنی نیز از جمله علمای پند بر روم میبوان خصوصیات مردان کوچک را در نظامی " برمازان وفادار اسلام " نام . آر آن آهی فرس روزنامه نویسی گرفته با حاجی ماشا اله فعات ، از حرکهای بوحیدی ناس گرفته تا انحن بوحیدی کودتایان اسلامی ، همه و همه واقعیت این مردان کوچک را به نمایش میکذارند ؛ حکم مردان کوچک با ما می

وزمان بر اندام اجتماع سکسی میکند .

\* \* \*

اگر لحاظ بر ریده بود و انقلاب اسلامی را از نزدیک ملاحظه می کرد . و میخواست بر کتاب معروف " نفیس محمد در تاریخ " ، نام جدیدی بدهد ، سبک نام " نفیس بی شخصیتها در تاریخ " را بر میگرد . حد خصمهای " انقلاب اسلامی " نه بهترین وجهی بیانگر " هویت واقعی " هیئت خاکمسه ایران هستند . " هوستی " که نه هیچ وجه صافی نبوده بلکه خود بیانگر یکی از جوهره اساسی این انقلاب است . براسی چه خصمهای بهرار " فرهنگ انقلاب " ، " خصمها " ، " معارها و پراشه " میبواند واقعیت و عمق یک انقلاب را سان دهد ؛ حد کاراگری بهررار بارکان وجه خصمیت بهرار صادی - خلخال میبواند واقعیت ، سبب و سیاسی و اجتماعی بورژوازی و حده - بورژوازی و حتی اشلاف این دورا بیان کند . آنا این معون حربا آور هیئت حاکمه ایران ، تمامی محافظه کاری ، بی کفایتی و تجارت صبی بورژوازی همراه با " زرنگی " حده بورژوازی ، و بحجرو صمی که خاص " خرده بولید - کندگان " در تالستان برای ادا م حساب اقتصادی است ، را بمصد ظهور نمیکذارند ؟ آنا بر رادهای بی حیوای منظرها و سارهای تو خالی شان غلبه امبریا لبرم و بر ما نداری سارا به یاد حده بولید - کسده بدیحت مذهب و سکت حورده بحف آنادی که میبوند علیه فسا بر ما

مقابله و دمای نفس راریده کند - نماد دارد ؟ آنا کاسه لسیهای بارر که برای بدهان گرفتن اسخوهای بر - کوسند درت دولتی ، به بهترین وجهی ساینگر آخربس بلانهای بورژوازی بی - فرهنگ و با حرمس ، برای کس قدرت نیست ؛ بر رادهای واقعای حلا بر حدری را حعدم بوانائی خرده - بورژوازی مذهب و بدیحت در حل معطلات اجتماعی نداعی میکند ؛ آنا این " طحالی روانی است که انحن کسار میکند و با اینکه این بهرار حای حده بورژوازی است که ار حلال اعمال این علل معز خود را سان میدهد ؛ و آنا ... بی بردن نه واقعیت اجتماعی که مولد حسن خصمها بی است حیدان سکت است ، وجود سالیها ترور و احتیاج ، نبودن هیچگونه آزادیهای سالی ، عفت مادکی اجتماعی و فقر فرهنگی و ... که امکان بحره اندوری سیاسی ورشد یابی خصمهای مسفل طبعاتی و ... را نه تنها ار پرولنار با بلکه حسی ار بورژوازی و حده بورژوازی نیز طلب نموده ، و با عت بر دیده است که نیروهای مختلف اجتماعی قادر به کمال شخصیت سالی خود نیاسند . و آنا نیز که ساید مخص این ترور و خفان سا حدودی محوم کردند و نیروهای اجتماعی فرصت عرصه کردن حویین را میبایسد ، جبن نمایینا مه نرازدی کمیکی بر کرزار مکررد و چندین " فهرمانی " با به صحنه می نهند . ■

# توضیح

مطالب تراکم مطالب درج دنباله مقاله " نقدی بر نظرات راه کارگر " در این شماره معدور نگردید . ضمن بوزش ادا مبه این مطلب را در شماره آئینده مطالعه میائید .

مطالب بدون امضاء منعکس گننیده نظر رسمی سازمان وحدت کمونیستی میباشند . مقالاتی امضاء منعکس گنننده نظرات افراد ففای نویسنده است .

**رهائی نشریه**  
سازمان وحدت  
کمونیستی



عبدالرحمان و محمد باقر در حال بررسی کالاهای صادراتی در بندر

بندر بندر عباس